

کتابخانه

گلشن مطوم شایق

مجموعه اشعار سروده شده ی مهدی کیانی
متخلص به شایق

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ لَهُمْ



تصویر شاعر در مسجد مقدس جمکران ، سال ۱۳۹۷ ه.ش

بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز دقترم حمد خدا کنم

دوم مدح ختم رسل مصطفیٰ کنم

اقرار می‌کنم که علی جان‌شین اوست

من نوکری در که مرتضیٰ کنم

((فهرست))

۸-----	خداوند متعال (مناجات نامه)
۱۱-----	حضرت محمد (ص)
۱۷-----	حضرت فاطمه زهرا (س)
۲۳-----	حضرت علی (ع)
۳۱-----	امام حسن مجتبی (ع)
۳۴-----	امام حسین (ع)
۳۸-----	امام سجاد (ع)
۳۹-----	امام باقر (ع)
۴۱-----	امام صادق (ع)
۴۲-----	امام موسی کاظم (ع)
۴۳-----	امام رضا (ع)
۴۶-----	امام جواد (ع)
۴۸-----	امام هادی (ع)
۴۹-----	امام حسن عسکری (ع)
۵۱-----	امام زمان حضرت مهدی (عج)
۵۸-----	خاندان عصمت و طهارت
۶۱-----	محرم الحرام
۸۵-----	سایر اشعار

با نام و یاد خداوند قادر منان، احد لا شریک و پیغمبر خاتم و ائمه ی هدی علیهم السلام و نفسی و روحی فداه ...

این اثر که شامل ۱۸ بخش می شود، مجموعه ای از اشعار مذهبی می باشد که توسط اینجانب سروده شده است و در این کتاب جمع آوری و دسته بندی گردیده است.

بنده به دلیل اینکه پس از مدت ها و کلام یکی از شعرای مذهبی که گفت برای خودت تخلص شعری و اسم شاعری انتخاب کن ، اسم شایق را (به معنای آرزومند و دوستدار انتخاب نمودم) لذا به دلیل اینکه تا قبل از این نام خانوادگی خودم یعنی کیانی را در شعر هایم به کار می بردم با پایان دادن به دفتر شعر نغمه های کیانی ، کتاب گلشن منظوم شایق را برای اشعارم برگزیدم تا در این قالب اشعارم را بگنجانم.

خدا می داند من هدفی جز رضایت خدا و اهلبیت نداشته و قصد معروفیت یا برتری شاعری نداشته، هیچ گاه خود را در زمره ی شاعران بزرگ و توانا و حاذق قدیم و حال قرار نداده و نخواهم داد و هدفی جز ابراز ارادت به خاندان عصمت و طهارت نداشته و عاشق شعر و شعرا هستم.

خادم، شاعر و مداح اهلبیت ، مهدی کیانی (متخلص به شایق)



چه خوب است در اینجا برای خوانندگان گرامی تحفه ای بسیار ارزشمند که زمانی پیدا کردم را بیاورم ، تا هر وقت خواندید از این حقیر هم یادی کرده و فریادرس حقیقی در هر دو عالم ، به خصوص در خانه ی ابدی که تاریک است ، نور رحمتش را تابانده و به فریاد برسد.

عارف کامل آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی توصیه ی زیبایی داشتند و آن اینکه: سه آیه ی آخر سوره مبارکه حشر را تلاوت کنید تا ملکه شما شود؛ اولین اثری که از آن مترتب می شود پس از مرگ و شب اول قبر است. وقتی که آن دو ملک مقرب از

طرف پروردگار برای سوال و جواب می آیند در جواب من ربک؟ بگوئی:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وقتی این طور پاسخ بگوئی ملائکه الهی مبهوت و متحیر می شوند چون این معرفی حق است به

زبان حق نه معرفی حق به زبان خلق.

« نقل از سایت دانشگاه تهران از قول آیت الله نصرالله شاه آبادی (سال ۱۳۶۵) »

« تهیه و تنظیم: مهدی کیانی / التماس دعا »

خداوند متعال (مناجات نامه)

قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو ای بندگان من که با ارتکاب گناه بر خود زیاده روی کردید ، از رحمت خدا نومید نشوید ؛ یقیناً خدا همه ی گناهان را می آمرزد ، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است .

(قرآن کریم ، آیه ۵۳ سوره ی زمر)

از جرم و گناه خود سرافکنده منم	یارب به در خانه ی تو بنده منم
از لطف و عنایت تو شرمنده منم	بخشنده و غفاری و هم بنده نواز
غیر تو ملک وجود شاه ندارد	ای که بزرگیت به عقل راه ندارد
غیر تو در هر مکان پناه ندارد	بنده ی عاجز به هر سوی کند روی
توشه ی من هیچ جز گناه ندارد	لطف و بزرگی تو افزون بود از حد
راه درازم شب سیاه ندارد	نور هدایت که بتابد ز تو یارب
بنده ی تو غیر اشک و آه ندارد	رحم نما چون که حکیم هستی و عادل
غیر تو بخشنده و غفار ، اله ندارد	شایق اگرچه که گناهش زیاد است
نور امیدت چراغ راه من	ای خدا ای لطف تو همراه من
دیده ای یک عمر تقصیر و خطا	بندگی ات را نکردم ای خدا
کی به جا آورده ام شکر تو را	باز کردی نعمتت بر من عطا
تو گرفتی تا کنم من بندگی	دست من در موقع افتادگی
ای پناه جمله ی بیچارگان	ای تو غفار الذنوب بندگان
مالک الملکی و رب ما تویی	خالق ارض و سما تنها تویی
بی نیاز از غیر و در اوج کمال	ای خدا هستی بزرگ و با جلال
در پناه خود تو در محشر ببر	از گناه شایق عاجز گذر

خداوند متعال (مناجات نامه)

دلی گر سوخت در آنجا خدا بود	خدا از بندگان کی جدا بود
زبانی گر گشوده شد به ناله	خدا سامع بر آن آه و نوا بود
اگر غافل شد انسان گاه گاهی	خدا هر لحظه ای در هر کجا بود
به بنده ای که با صد عیب و خوبی	نکرده بندگی او باصفا بود
صبور و مهربان ، پوشنده ی عیب	پناه و دستگیر جمله ما بود
خودش گفته همیشه بوده و هست	ولیکن بنده ی ما بی وفا بود
دلیم گرفته از این روزگار یا الله	که نیست بر من خسته قرار یا الله
به جای شکر ز الطاف تو بهانه گرفتم	بود محبت تو بی شمار یا الله
تو بگذر از گنه من اگرچه پر طمعم	بده امان تو من از قعر نار یا الله
تویی که نام تو آرامش ست بر قلبم	مرا به حال خودم وامدار یا الله
اگر روم ز در خانه ی تو واویلا	مرا به بندگی خود در آر یا الله
بیا در روح خود غوغا بپا کن	خدایت را ز عمق جان صدا کن
پس آنگه با دو چشم اشکبارت	به سوی حق دو دست خویش وا کن
بگو بر بنده ی عاصی ز لطف	نظر ای خالق ارض و سما کن
بیا با اشک چشمت غسل بنما	پس استغفار به درگاه خدا کن
تو را بر سر بیاید هرچه شایق	ز اعمال بود ترک خطا کن
ای خدای رحمان بنده ی گنه کار	آمده به درگاه تو هست و شرمسار
یا الهی العفو یا الهی العفو	
یا الهی از لطف جرم من ببخشا	بگذر از خطایم تو به حق زهرا
یا الهی العفو یا الهی العفو	
حق آن شهیدی که سرش جدا شد	راس پاک او بر روی نیزه ها شد

خداوند متعال (مناجات نامه)

یا الهی العفو یا الهی العفو

بنده ات نما از لطف و مهربانی

هم گناه من بخش هم تو رهنمایی

یا الهی العفو یا الهی العفو

از گناه من گشته ای دلگیر

ای که هستی بخشنده ی تقصیر

آدم اینجا _ تا کنم ماوا

یا کریم العفو

جز پناه تو من کجا دارم

توبه بشکستم بس گناه کارم

دست من خالی _ لطف تو عالی

یا کریم العفو

جرم پوش عیبی و محبوبی

من نبوده ام بنده ی خوبی

بگذر از بنده _ ای تو بخشنده

یا کریم العفو

ماه مبارک رمضان

غبار و زنگ جان هامان زدودی

در رحمت خدا بر ما گشودی

همان بخشنده ی خوبی که بودی

نبودیم بنده ی خوبی ولی تو

بنده مهمان بر سر خوان سخاست

باز ماه میهمانی خداست

ماه لب بستن ز حرف نا به جاست

ماه دوری از گناه و فعل بد

چون خداوند کریم در قلب ماست

دل نما صومعه ای بهر خدا

چاره ی هر مشکل و درد و بلاست

بی نیاز و با جلال است و بزرگ

بر در خانه ی حق او یک گداست

بنده ی خوبی اگر شایق نبود

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ . و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

(قرآن کریم ، سوره انبیا ، آیه ۱۰۷)

ولادت آن بزرگوار

آفتاب حسن احمد جلوه گر شد تا به عالم	تیرگی رفت و طلوع صبح صادق گشت پیدا
جمله ی بت ها ز اوج عزت ختم رسولان	سرنگون بر خاک گشتند نیست جایی بهر آنها
زاده شد از آمنه آن رهبر و آن مرشد کل	تا رهاند مردمان از چنگ شیطان دیو دنیا
رهنمایی می نماید با عطوفت با رئوفی	آنقدر کاو در میان دوست و دشمن هست یکتا
رحمت للعالمین محمود ابالقاسم محمد (ص)	اسوه ی نیکوی اخلاق کرده حیران او بشر را
در کویر شهر مکه تا شکفت این غنچه ی عشق	گشت بر روی زمین برپا بهشتی تا که زد پا
خاک زیر پای او شد سرمه ی چشم ملائک	آمده پیغمبر نور و سراپا خوب و والا
بعد از آن فرخنده میلاد امام صادق است و	شاد و خرم گشته از یمن قدومش جمله دلها
مذهب شیعه بود مدیون جهد و علم ایشان	حضرت صادق که احیا کرده دین حق تعالی
آن امام راستین و خسرو دین و تشیع	جان من بادا فدایش شافع ما در دو دنیا

شد ولادت نبی اکرم و امام صادق	غرق شور و شادی امشب گشته است دلهای شائق
مکه نورانی بود از آفتاب روی احمد	شد چراغانی مدینه ششمین مولا خوش آمد

صل علی محمد و علی آل محمد

هفده ماه ربیع آمد مسلمانان بشارت	این بود بر ما همه لازم که باشیم با وحدت
الگوی شایسته ی قرآن بود آری محمد	جان عالمی فدای خلق و خو و روی احمد

صل علی محمد و علی آل محمد

حضرت محمد صلوات الله علیه

حضرت صادق که ششمین ولی الله باشد

فرزند زهرا و حیدر و رسول الله باشد

روز میلادش کشد دل تا مدینه ، پر برایش

صد درود و صلوات است بر جلال و بر مقامش

صل علی محمد و علی آل محمد

مدح آن بزرگوار

محمد خاتم پیغمبران است

بهار رحمتش بهر جهان است

پیام آور شد از سوی خداوند

هدایت گر برای مردمان است

کند نابود جهل و بت پرستی

که او کابوس بر اهریمنان است

چه دلسوزی نماید بهر امت

که او دریای لطفش بی کران است

خدا فرمود : یا احمد که بس کن

ز غصه حرف جانت در میان است

تو تنها رهنمایی و مژگر

پس از این اختیار بر مردمان است

که قرآن گفته او الگوی نیکوست

به اخلاق و عمل هم در بیان است

احادیث و همه احکام و حرفش

مناسب بهر هر عصر و زمان است

بود جاوید نامش تا قیامت

که نامش آشکارا در اذان است

ز میلادش در رحمت گشودند

ز یمنش هر مسلمان در امان است

غروب عمر پیغمبر چه غمناک

دل اهل زمین و آسمان است

بود شایق همواره پیرو او

درود و صلواتش بر زبان است

عید مبعث

به نام خداوند یکتا و فرد

که در کل هستی بود او احد

کن آغاز این کار با نام او

هو الحق هو الحی هو الهو بگو

بخوان آیه ی اقرء را این زمان

بکن جاری آن زامر حق بر بیان

تویی آخرین مرسل دین حق

بگو هست اسلام آیین حق

حضرت محمد صلوات الله علیه

محمد محمد بشیری نذیری	تو بر مردمان رهبری و امیری
به نورت ز وادی ظلمت در آیند	به سرچشمه ی عدل و توحید آیند
تویی خاتم الانبیا یا محمد	تو را دوست دارد خدا یا محمد
دگر شرک و جهل و ستم باد نابود	از این پس خدای یگانه ست معبود
نگردد دگر دختری زنده در گور	بس است جهل و ظلم و نگوید کسی زور
سراسر بود مهربانی و رحمت	در اسلام با شد عدالت عدالت
که این گفته ی خاتم المرسلین است	هر آنکس که بد متقی برترین است
شد از بعثت تو جوان عالم پیر	بیایند بت ها از این عید در زیر
تویی رهنمای بشر یا محمد	بنه تاج پیغمبری را به سر یا محمد
عید بعثت شد دل پر از شادیست	فصل دلدادگی و آزادیت
آخرین پیغمبر تویی احمد	ز امر حق اقراء اقراء محمد
غار حرا گشته چراغانی	یا رسول الله یا رسول الله
رهنمایی کن مردم گمراه	برگزیدت حق نور ایمانی
شد پس از امروز دین حق کامل	یا رسول الله یا رسول الله
ای حبیب الله این رسالت را	تا شود نابود فرقه ی باطل
شاد شد هر غمدیده ی مظلوم	بر تو خداوند کرده است اعطا
پرچم توحید داده بر دستت	یا رسول الله یا رسول الله
	تو امین و خوبی و هم معصوم
	جبرئیل امشب گشته سرمست
	یا رسول الله یا رسول الله

شهادت آن بزرگوار

دلها غمین و چشم ها گردیده نمناک	شد خاتم پیغمبران ، پنهان چو در خاک
پیغمبری که بود بهر خلق دلسوز	در ماتم او سینه ها گردیده صد چاک
	ام ابیها فاطمه سرت سلامت
	رخت عزا کردی به بر در سوگ بابت
اندر سقیفه شد لوای فتنه بر پا	کردند نامردان فراموش آن وصایا
کی گفت پیغمبر وصی است غیر حیدر	کردند بس ظلم و ستم در حق زهرا
	آغاز دوران غریبی علی شد
	زهرا سلام الله فدایی ولی شد
دلها بسوزد حضرت ختم النبیین	گشته شهید و چشم حیدر گشته خونین
ای دل برای فاطمه بنت محمد	کن گریه کامروز او عزادارست و غمگین
	عالم شده در ماتم احمد سیه پوش
	شمع فروزان نبوت گشته خاموش
چشمان شیعه خون بگرید بار دیگر	زیرا که باشد ماتم سبط پیمبر
شد مجتبی پاره جگر از زهر کینه	مسموم جان داد آن امام الله اکبر
	مولا حسن با آه و ناله شکوه می کرد
	او طشت را پر از عقیق و لاله می کرد
مظلوم تر بعد از علی مرتضی هست	مولای خوب و مهربان و باسزا هست
عالم به لب دارند ذکر یاحسین را	ذکر لب مولا حسین یا مجتبی هست
	مظلومی او کرده گریان ماهیان را
	افسرده شد هرکس شنید این داستان را

حضرت محمد صلوات الله عليه

آه و واویلا عزای حضرت پیغمبر است

در جنان شیون کنان حوران و غلمان یکسر است

تسلیت گوئیم بر زهرا کزین داغ عظیم

موسفید از داغ بابا بعد داغ مادر است

رحمت للعالمین ، ختم رسل رفت از جهان

از غم او اشکریزان چشم و قلب حیدر است

ماتم پیغمبر و اندر سقیفه دشمنان

جمع و از این حادثه ، غمناک شمس و اختر است

در غریبی هم پیمبر هم علی هم فاطمه

گوییا آغاز رنج اهل بیت اطهر است

در عزای مصطفی شایق سیه پوش و غمین

از غم پیغمبر او خاک عزایش بر سر است

ماتم خاتم المرسلین است

خون به قلب همه مسلمین است

در عزا آسمان و زمین است

آه و وایلتا وای از این غم

گشته زهرا از این غم مکدر

می زند دست بر سینه و سر

زین مصیبت خم ست پشت حیدر

آه و وایلتا وای از این غم

حضرت محمد صلوات الله علیه

شد فرامش کلام محمد

گشته زین پس بسی ظلم بی حد

در حق مرتضی جان احمد

آه و واویلتا وای از این غم

(می شود یا نبی یا نبی یا محمد را نیز برای دم نوحه استفاده کرد.)

حضرت زهرا سلام الله علیها

پیامبر اکرم صلوات الله علیه به فاطمه زهرا سلام الله علیه فرمود : ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را می آمرزد و او را در بهشت در جایگاه من جای می دهد.

(بحارالانوار، علامه مجلسی)

ولادت آن بزرگوار

سرمست از عطر خوش آن ، فرشته ها
یک هدیه ی بهشتی است از سوی خدا
آن دختری که گفته پدر ، مادری مرا
آنکس که هست همسر والای مرتضی
آنها که می زدند به پیمبر چه طعنه ها
امید ما به لطف زهراست در جزا
تنها به جز مودت با آل عبا

زیبا گلی شکفته به بستان مصطفی
در دامن خدیجه پر از نور گشته است
به به که هست نام قشنگش فاطمه
ام الثمه خیرالنسا دختر نبی
شد کور از تولد او چشم دشمنان
میلاد فاطمه دل ما غرق شادی است
آری نگشت خلق همه عالم و جهان

یا فاطمه بکن تو به ما یک عنایتی
خورده گره عشق تو با سرنوشت ما

به یمن او دعای ما قبول است

شب میلاد زهرا ی بتول است

که بر او سوره ی کوثر نزول است

شده پیغمبر ما غرق شادی

بگردند دور گهوارش ملائک

شده اند محو او تا می زند پلک

نکرده خلق ، خالق به ز او را

چه کسی بهتر بود از او به دنیا

تویی روح و روانم جان بابا

پیمبر گفته ست ام ابیها

مقامش را خدا بس برتری داد

به زنهای دو عالم سروری داد

حضرت زهرا سلام الله علیها

شکفته در گلستان پیمبر
در امشب یک گل پاک و مطهر
که از میلاد او دل در سرور است
بود او همسر والای حیدر
بود زکیه و مرضیه زهرا
بود با عفت و صدیقه زهرا
ملائک گل زنند جمله به تارک
مبارک باد ایام تبارک
بود میلاد زهرا روز مادر
به جمله مادران بادا مبارک
بگو شایق که تا شاید عنایت
به تو زهرا کند در روز غایت

مکه شد از ولادتت چراغانی و غرق نور

دسته دسته فرشته ها به زمین اومدند با سرور
حضرت زهرا خوش آمدی
پیمبر امشب خنده به لب دارد از میلاد کوثرش
تهنیت امشب بر او رسیده ست از سوی داورش
حضرت زهرا خوش آمدی
ظلمت شب را دریده است نور روی چو ماه تو
می ره غم ها همه ز دل به یک نیمه نگاه تو
حضرت زهرا خوش آمدی

شد شب فرخنده ی میلاد زهرا
غرق نور امشب شده تمام دنیا
مصطفی خنده به لب اندر سرور است
بدهد تحفه ای امشب بر همه ما

زهرا ام ابیها
عالم فدای نامت
ای تو دختر بطحها
بده عیدی بر همه ما

فاطمه یا فاطمه جان فاطمه یا فاطمه جان

حضرت زهرا سلام الله علیها

سوی مکه این ندا داده منادی
ای خدیجه کوثر و فاطمه زادی

همه ی فرشته ها با شور و شادی
کور بشه چشای دشمن پیغمبر

مادر حسینه زهرا نور عالمینه زهرا
شافع همه محبین روز نشأتینه زهرا

فاطمه یا فاطمه جان فاطمه یا فاطمه جان

به فدای تو شوم حضرت زهرا
که همیشه من باشم نوکر و شیدا

تویی که گفته نبی ام اییها
حاجت من توی این دنیا همینه

زهرا تویی که نامت گشاید هر قفل بسته
آرامش و قراری بر همه دلهای خسته

فاطمه یا فاطمه جان فاطمه یا فاطمه جان

شهادت آن بزرگوار

رخ زهرا نهان گردیده در گل
ز ضرب سیلی آن پژمرده گردید
که گشته بی کس و تنهای تنها
غم و دردش به اشک و آه می گفت
رخ نورانش گردیده نیلی
فدا شد فاطمه در راه حیدر
گرفتند زانوی غم از غم یار
کجا پنهان شده از دیده ی تر
دل پیغمبر از این قوم ناشاد

بسوزد زین مصیبت ای خدا دل
گل زیبای پیغمبر چه گردید
بگرید مرتضی بر قبر زهرا
شنیدم درد دل با چاه می گفت
که زهرایم ز کینه خورده سیلی
شکسته پهلویش از ضربت در
شدند طفلان زهرا بی پرستار
مدینه قبر زهرا ی مطهر
عجب عهد رسول بردند از یاد

حضرت زهرا سلام الله علیها

الهی جای این قوم ستمگر	بود اندر جهنم تا به محشر
تسلی ده تو شایق از ارادت	به آل فاطمه از این مصیبت
مدینه ای مزار پاک زهرا	مدینه ای فضای درد و غم ها
دگر ناید به گوش آوای ناله	ز زهرای غریب دل فسرده
که از هجر پدر او بود گریان	ز غربت علی او داشت افغان
شده بی کس علی آن شاه ابرار	شدند طفلان زهرا بی پرستار
علی داده ز کف پشت و پناهِش	دل چه پر شد از آه و نوایش
امان از این غم عظمی که زهرا	به هجده سالگی رفته ز دنیا
به سن کودکی زینب عزادار	شده و گوید آن زار دل افکار
که ای مادر فدایت جان زینب	که می کردی دعا ها در دل شب
ز بدخواهی و ظلم و کین دشمن	به چار سالگی ام بی مادرم من

زبانحال حضرت علی علیه السلام هنگام دفن حضرت فاطمه سلام الله علیها

ریزم به دست خود به روی جسم تو این خاک را	آخر چرا از من شدی دیگر تو ای زهرا جدا
تاب و توانم رفته از داغ جگر سوز تو وای	آن لحظه که در پشت در گشتی ز بهر من فدا
شرمنده ام از روی تو ای فاطمه ای فاطمه	پشت و پناهِم می روی با خود ببر همراه مرا
بعد تو من تنها شدم ای همدم و همراه من	ای شیرزن ای حامی با اقتدار مرتضی
بعد تو هرشب زینبت ؛ با گریه می گوید پدر	مادر چرا رفته به این زودی دگر از پیش ما

زبانحال حضرت زهرا با دخترش زینب کبری سلام الله

ای شمع شبستان من	ای نور دو چشمان من	بنشین کنارم ای که هستی راحت جانم
	زینب زینب زینب زینب	
ای دختر شیر خدا	گریه و فغان کم نما	که دگر من امشب بر رسول الله مهمانم
	زینب زینب زینب زینب	
ای زینب من هستی یگانه دختر		از جور و جفا گشته ای تو بی مادر
چون سیل مریز اشک دگر ای مضطر		هستی تو پرستار عزیزان مادر

زینب زینب زینب زینب

حضرت زهرا سلام الله علیها

رفتی ای زهرا شد علی تنها

خون می گرید بر تو آسمانها

فاطمه جانم فاطمه جانم

از تو آخر علی شد شرمنده

ز غم و غصه قلبم آکنده

فاطمه جانم فاطمه جانم

نیمه های شب پنهان از دیده

رفتی از خانه ام ای شهیده

فاطمه جانم فاطمه جانم

کودکانمان با دو چشم تر

ذکرشان هر لحظه شده مادر

فاطمه جانم فاطمه جانم

ای مادر غم پرور رفتی و شدم تنها

از غربت تو گریم در خلوت خود شب ها

مادر مادر مادر مادر مادر

در کوچه تو از کینه سیلی ز عدو خوردی

کی جرئت دشمن بود بابایم اگر بودی

مادر مادر مادر مادر مادر

تشیع جنازه ی تو بود به دل شب

آستین به دهان می کرد گریه به خفا زینب

مادر مادر مادر مادر مادر

پرپر شده گل ما خونین به زمین بنشست

از داغ عظیم او پشت پدرم بشکست

مادر مادر مادر مادر مادر

شد سیه پوش دوباره مدینه

می زند عالمی هم به سینه

شد از این غم علی قد خمیده

رنگ رخسار زینب پریده

ای بانوی دو عالم - هستی همه آمالم

یا فاطمه یازهرا یا فاطمه یازهرا

حضرت زهرا سلام الله علیها

نیمه ی شب غریبانه زهرا

گشته آهسته تشیع واویلا

می شود فارغ از درد و غم ها

قد خمیده رود نزد بابا

پهلوی شکسته مادر - خون گشته قلب حیدر

یا فاطمه یازهرا یا فاطمه یازهرا

حک به سر بند جمله شهیدان

نام زیبای تو فاطمه جان

نوکران را کرم کن ز احسان

ای به محشر یکی از شفیعیان

ای مادر اربابم - از ماتمت بی تابم

یا فاطمه یازهرا یا فاطمه یازهرا

و درود خدا بر او فرمود : هیچ شرافتی برتر از اسلام ، و هیچ عزتی گرامی تر از تقوا ، و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی ، و هیچ شفاعت کننده ای کارسازتر از توبه ، و هیچ گنجی بی نیازتر از قناعت ، و هیچ مالی در فقر زدایی ، از بین برنده تر از رضایت دادن به روزی نیست ، و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بر دارد به آسایش دست یابد ، و آسوده خاطر گردد در حالی که دنیاپرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است ، و حرص ورزی و خودبزرگ بینی و حسادت ، عامل بی پروایی در گناهان است و بدی جامع تمام عیب هاست .
(خطبه ۳۷۱ نهج البلاغه ، ترجمه مرحوم دشتی)

ولادت آن بزرگوار

میزبان مولدی یکتا شدی	کعبه امشب چون بهشت زیبا شدی
تا تو مثل غنچه ی گل وا شدی	دامن خاک زمین پر گل شده
زادگاه حضرت مولا شدی	بهر میلاد شه دین دست حق
کعبه ی عشق همه دنیا شدی	تو به یمن مولد مولا علی
زین کرامت نقل در هر جا شدی	تا ترک خوردی شد این یک معجزه
پاک و برتر بیت حق اعلی شدی	خشت خشت تو عجین شد با علی
کعبه تو مداح آن آقا شدی	هست شایق مداح مولا علی
کعبه می درخشه از میلاد مرتضی	از تو آسمونها می باره ستاره ها

علی علی مولا مولا یا علی مدد

که به دنیا اومده امشب آقا و سرور علی علی

شیعه شادی کن اومد از ره جان پیمبر علی علی

علی علی مولا مولا یا علی مدد

حضرت علی علیه السلام

فاطمه ی بنت اسد آورده به دنیا شیر خدا

یکه تاز و دلیر عرب و عجم و شافع جزا

علی علی مولا مولا یا علی مدد

علی ست تنها بر ما امیرمومنان

سرود روی لب های جمله عاشقان

علی علی مولا مولا یا علی مدد

مژده بده اهل یقین بادا مبارک

آمد امیرالمومنین بادا مبارک

آمده پادشاه دین بادا مبارک

یا علی مولا مددی حیدر حیدر

کعبه ز نور مقدمش گشته روشن

پرتوی نور او بود نور ذوالمن

پیرهن زمینی او کرده بر تن

یا علی مولا مددی حیدر حیدر

ماه رجب زیمن میلاد حیدر

گشته بزرگ و افضل الله اکبر

شاد همه ذرات باشند و پیمبر

یا علی مولا مددی حیدر حیدر

رسول خدا حضرت محمد صلوات الله علیه : روز غدیر خم بافضیلت ترین عیدهای امت من است ، آن

روزی است که خداوند امر فرمود برادرم علی بن ابی طالب را علم و خلیفه ، جانشین ، نشانه حق ، پرچم

هدایت ، راهبر و امام برای این امت قرار دهم. (بحارالانوار)

حضرت علی علیه السلام

عید سعید غدیر خم

در هجده ذی حجه از سوی خدا آمد پیام

بر خاتم پیغمبران تا او کند حجت تمام

فرموده ی ذات احد ، یعنی خداوند جهان

بعد از پیمبر شد علی ، تنها امیر مومنان

بلغ ما انزل الیک یا مصطفی ابراز کن

بر روی لب حکم امامت بر علی را ساز کن

فرمود با صوت رسا : ای مسلمین ای مومنین

بعد از من پیغمبر خاتم ، علی شد جانشین

هست او امام و رهبر و مولا شما را بعد من

فرمان و دستورم بود از سوی حی ذوالمنن

هستم محمد مسلمین ، پیغمبرم من بر شما

بیعت نماید با علی هر کس بود پیرو مرا

عید خدا عید رسول عید تمام شیعیان

عید غدیر خم بود شادان زمین و آسمان

عیدی که شد مولا علی سرور علی سلطان علی

فرمانروای ملک دین ، همراه با قرآن علی

عیدی که بشکفته گل لبخند بر روی نبی

حکم ولایت علی آورده شد سوی نبی

شاهی که در شانش چنین آمد ز سوی کردگار

که «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار»

حضرت علی علیه السلام

هر کس که دشمن با علی ست نفرین پیغمبر بر او

از ما محبین ، لعنت و دشنام تا محشر بر او

هر کس علی را دوست دارد جای او اندر بهشت

شایق ز ابراز ارادت چند بیتی را نوشت

بخونیم که فقط علی امیره

بیا شادی کنیم عید غدیره

امیرالمومنین که بی نظیره

بریزیم دسته دسته گل به پای

علی جان پیمبر - علی از همه برتر

علی علی علی مولا

فرشته ها می خون همه این را

سرود یا علی به روی لب ها

توی بهشت تو عرش معلی

که جای شیعه ی مولا علی هست

علی مولا به عشق تو اسیرم

من از نام قشنگت جون می گیرم

علی علی علی مولا

به میدان دلیری اسدالله

علی فاتح خیبر و یدالله

تویی بر همگان علی ولی الله

فرموده ست حضرت محمد

علی محبوب دلها - بگیر دست من آقا

علی علی علی مولا

مدح آن بزرگوار

هر آنکس با علی باشد خدا بر او نظر دارد

محبتش ثروتی بهتر ز صدها کیسه زر دارد

به دنیا و به عقبی ، یاور و حلال مشکل ها

علی باشد علی باشد که او بس جاه و فرّ دارد

حضرت علی علیه السلام

چه بدبخت و سیه روی است هر آنکس دشمن او شد

بداند پست و گمراه است و جا اندر سقر دارد

نبی فرموده او باشد وصی و جانشین من

هماره حضرت مولا چو جان خود به بر دارد

بود بی مهر او هر مستحب و واجبی باطل

به دشت سینه و قلبش درختی بی ثمر دارد

اگر شایق همه عمرت بگویی یا علی مولا

ضرر هرگز نخواهی کرد چون نامش اثر دارد

که هست خالق ارض و سما و موجودات

کنم مدح جناب رسول هر دو سرا

کلام حضرت پیغمبر عین وحی مبین

محب حضرت شاه نجف علی باشد

که بعد از او وصی و رهبری خلق کند

علیست جان من و بر شما بود مولا

ولی امامت حیدر نماید او انکار

کلام حق خدا زیر پای بگذارد

علیست بر همه ی درد خلق درمانی

خدای فخر کند ز آفرینش ایشان

علیست شافع شیعه به وادی محشر

کنار مهد او آمد به ناگهان اژدر

نمود مار خبیث پلید را درهم

علی ، حیدر نامید ز کشتن حیه

ز جای کند در قلعه شاه خیبر گیر

که قاصر است زبان من از بیان علی

بخش جمله محبین او به روز جزا

به نام ایزد منان و قاضی الحاجات

پس از ثنای خداوند قادر یکتا

بود ستوده و والا و راستگو و امین

هر آنکه پیرو دین محمدی باشد

اول که ذات خدا ، امر کرد بر احمد

دوم رسول خدا گفت بار ها این را

کسی که پیرو اسلام هست در هر کار

مُسَلَّم است که او ، هست خصم ذات احد

علیست نور هدایت به راه ظلمانی

علیست کز قبل او شدست خلق جهان

علیست گره گشا و علیست نور بصر

چو طفل بود به گهواره آن امام بشر

علی عالی اعلی به ضربتی آن دم

چو دید فاطمه بنت اسد چنین صحنه

به غزوه هاست علی پهلوان دلیر و شهیر

چه گویم از کرم و همت و توان علی

به حق حرمت مولا علی خداوندا

حضرت علی علیه السلام

خدا به حق علی و به همسرش زهرا

مکن تو حاجت ما رد که نیست ما را جا

به غیر درگه آل علی و پیغمبر

مرو تو شایق اصلا به هیچ جای دگر

ز صدق دل تو بگو تا که هست بهرت حیات

به پیش گاه جناب علی دو صد صلوات

تو شاه و مولا تو سرور ما

وصی و جان پیمبر ما

تو کشته ی سجده ی نمازی

دلیری و فارس الحجازی

علی علی جان علی علی جان

تویی که لبیک به دین اسلام

بگفته ای اول از همه عام

تو اولین تو بهترینی

پس از پیمبر تو جانشینی

علی علی جان علی علی جان

من از دل و جان محبت هستم

پس از خداوند تو را پرستم

اگر چه مولا خدا نباشی

ولی ز حق هم جدا نباشی

علی علی جان علی علی جان

تو چاره سازی به درد و غم ها

که هست نامت جلای دلها

به زیر خاک قدومت آقا

مرا ز لطف قبول فرما

علی علی جان علی علی جان

شهادت آن بزرگوار

خاکم به سر که جسم علی در تراب رفت

زین غصه هوش از سر ارض و سحاب رفت

حیدر که بود فاتح خیبر ز ضربتی

از پا فتاد و جانب ختمی مأب رفت

بیا به کوفه پر کینه ما سری بزنیم

ز خانه ی علی مرتضی دری بزنیم

ز دیدگان حسین و حسن و هم زینب

گلاب ریزد و از غصه روز شد چون شب

فلک به سینه ی ما داغ و ماتمی بنهاد

سیه به قامت اولاد مرتضی پوشاند

علی که در همه ی عمر بوده ، او مظلوم

شهید شد ز دم تیغ ابن ملجم شوم

دل زمین و زمان هم به لرزه افتاده

ز خون فرق علی نقش بسته سجاده

حضرت علی علیه السلام

غریب و مخفی و در نیمه ی شب آن پیکر

الا تو خاک مقدس شدی ز نام علی

ندانی آنکه چه آقایی در تو پنهان شد

علی عادل و دلسوز و مهربان و دلیر

به سروران جنان عرض تسلیت گوئیم

اگر تو شایق از این غم ز دیده خون باری

افسوس و آه ز ضربت شمشیر شد شهید

شد بس ستم به آن امام و نمود صبر

گفتا حسن بکن تو مدارا با اسیر

آقای مهربان که پدر بود بر یتیم

خونی که ریخت ز فرق علی آن دم از جفا

گردیده دومین شب قدر غرق در عزا

شدست تشیع و رفته به خاک آن سرور

شدی گرامی و والا ز احترام علی

که خاک بر سر مردم ز بعد ایشان شد

کسی به مثل ورا در جهان ندیده نظیر

پی تسلی زینب حال او جوئیم

بر این مصیبت عظمی یقین که حق داری

مظلوم عالم آنکه کس از او بدی ندید

از غربت علی شده خون شیعه را جگر

مردانگی نگر ز علی شاه بی نظیر

او بود کز شجاعت او خصم داشت بیم

شد ضامن شیعه و دین و نماز ما

زیرا که شد ماتم شیر خدا به پا

شور و ماتم به پاست

زینب خونجگر - از جفا بی پدر

ای غریبم علی ای غریبم علی

در محراب نماز شد شهید جفا

همسر فاطمه داماد مصطفی

کوفه هر دم بخوان - غرق غم با فغان

ای غریبم علی ای غریبم علی

تشیع شد نیمه شب آه و واویلتا

مخفی چون فاطمه پیکر مرتضی

کن نظر سوی ما - علی مولا ی ما

ای غریبم علی ای غریبم علی

حضرت علی علیه السلام

رنگ رخسار علی قرمز ز خون سر شده قلب ما از این مصیبت ای خدا پر پر شده

یار مظلومان علی

زینب از داغ پدر گشته در آه و فغان می کشد ناله ز دل از جفای دشمنان

یار مظلومان علی

وقت رفتن آمده بر امیرالمومنین فاطمه دیدار او آمده زار و حزین

یار مظلومان علی

بار دیگر کودکان و یتیمان از جفا بی پدر گردیده اند در عزای مرتضی

یار مظلومان علی

فرق مولای دو عالم کرده مجروح ابن ملجم

در نماز او شهید خدا شد - عرش حق جمله ماتم سرا شد

ای علی جان علی جان علی جان

شهر کوفه بی وفایی از علی کردی جدایی

جمله ایتم کوفه دگر بار - بی پدر گشته اند و پرستار

ای علی جان علی جان علی جان

حیدر آزاد زین جهان شد عازم دارالجنان شد

تا رخ فاطمه را ببیند - نزد زهرا و احمد نشیند

ای علی جان علی جان علی جان

شایقا کن گریه بسیار شد شهید مولای ابرار

یاعلی یاعلی من غلامت - جان به قربان تو و مقامت

ای علی جان علی جان علی جان

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام : همانا محبت و دوستی با ما (اهلبیت رسول الله صلوات الله علیه) سبب ریزش گناهان - از نامه اعمال - می شود همانطور که وزش باد برگ درختان را می ریزد. (بحارالانوار)

ولادت آن بزرگوار

در بیت علی امروز یک شاخه گلی وا شد

خوش بو ز شمیم او سرتاسر دنیا شد

پیغمبر از این میلاد شاد است و لبش خندان

این کودک خوش سیما نور دل زهرا شد

نامش حسن و حسنش آوازه ی ایام است

بخشنده ترین مولا است او قبله ی دلها شد

در ماه خدا دل از میلاد حسن شادان

تا نور رخ ماهش بهر همه پیدا شد

چون مجلس ما از نام محترمش زینت

گردیده و این مجلس بس خوب و مصفا شد

شایق به سر خوان اکرام حسن بنشین

شاید نظر لطفی از جانب مولا شد

پور علی مرتضی یا امام مجتبی

پادشه سبز قبا یا امام مجتبی

از قدمت شاد جهان یا امام مجتبی

دوم امام شیعیان یا امام مجتبی

یا حسن یا حسن یا امام مجتبی

امام حسن مجتبی علیه السلام

تو عزیز نبی و حیدری اختر دین
شاخه گل بهشتی هستی تو بر روی زمین
ای پسر بزرگ حضرت زهرا و علی
برای بخشش و کرم آقا تو مایلی
یا حسن یا حسن یا امام مجتبی
نور خدا جلوه گر آمده در ماه خدا
کن نظری بر عاشقان دوستدار تو شدیم
غرق گرفتاری و غم نام تو صدا زنیم
یا حسن یا حسن یا امام مجتبی

عزیز پیغمبر ، گل زهرا ، امام دوم حسن
ز جان و دل من محبت هستم نگاهی بنما به من
امام حسن یا امام حسن یا امام حسن مولا
دلم به سوی مدینه شد رهسپار و شیدایی
تویی کریم و تویی بزرگ و تویی که آقایی
امام حسن یا امام حسن یا امام حسن مولا
ز سفره ی لطف خود به من تحفه ای عنایت کن
تو شاه و مولا نگاهی بر جانب گدایت کن
امام حسن یا امام حسن یا امام حسن مولا

شهادت آن بزرگوار

غصه ها دارم به دل از غصه های مجتبی
قلب سوزان دارم از سوز عزای مجتبی
قبر ویران غرق غربت هست هرجای بقیع
من ز راه دور گریم از برای مجتبی
مادرش زهرا بپا کرده عزا بر آن غریب
می کشد او ناله از واغربتای مجتبی
آه ز آن ساعت که زینب دید پاره ی جگر
رفت از جسمش توان از لخته های مجتبی
شایق امروز است روز قتل سبط مصطفی
گریه کن هر دم بگو جان ها فدای مجتبی

امام حسن مجتبی علیه السلام

چرا آخر به من دادی ز کین زهر
نمودی بی وفا قلب مرا خون
منم مظلوم اندر خانه ی خویش

بگرید سنگ خارا بر من زار
یتیم و بی پدر گشتند یارب

که تا در کربلا هنگام یاری
غریبم من غریبم من غریبم
بیا زینب که وقت آخرین است

بر غریبی حسن آسمان گریه کند
گر ندارد زائری تربت خاکی او

کشته ی زهر جفا یا امام مجتبی

من به قربانش که از زهر جعده ناگهان
زد صدا و ناله کرد زینبم زودی بیا

کشته ی زهر جفا یا امام مجتبی

خون به قلبم بود عمری من که بی یاور بدم
بود عمری زهر از دست عدو در کام من

کشته ی زهر جفا یا امام مجتبی

بگو کردم چه ظلمی بر تو آخر
زدی آتش به جانم ای بداختر
که قاتل همسر ست و نیست یاور

زنند اطفال من از غصه بر سر
سپارم بر حسینم این دو گوهر

شوند بهر حسینم جمله پرپر
به داد من برس مظلومه خواهر
که دیدار من و تو روز محشر

ماهی دریا بر او هر زمان گریه کند
مهدی زهرا بر او بی امان گریه کند

آتش افتاده به قلبش آن امام مهربان
کن حسینم را خبر می روم من از جهان

داغ مادر را که دیدم جان بر لب آمدم
زهر کین نوشیدم و راحت ز درد و غم شدم

امام حسین علیه السلام یکی از درهای بهشت است ؛ از پیامبر اکرم صلوات الله علیه نقل شده که فرمودند :
آگاه باشید که حسین دری از درهای بهشت است و هرکس با او دشمنی کند ، خداوند بوی بهشت را بر او
حرام می سازد.
(سحاب رحمت)

ولادت آن بزرگوار

شعبان شد و شکفت سه گل از باغ مرتضی
در روز سوم از مه شعبان ز لطف حق
نامش حسین ، سرور آزادگان بود
عشق حسین و کربلایش الی الابد
در خانه ی حیدر صفدر ملائکه
باشد ولادت مه تابنده ای که او
فرقی نمی کند تو که باشی برای او
ام البنین زاده یکی شیر بچه ای
تا ماه شعبان برسد روز پنجمش
آخر که میلاد کسی هست کاو بود
پور حسین و چارم امام بهر شیعیان
لب ها ز خنده همچو گل و دل پر از سرور

از عطر این سه گل شده عالم پر از صفا
ارباب عشق به عرصه ی عالم نهاد پا
آنکس که نام او شده حک روی قلب ما
بر عاشقان اوست چو یک گنج پر بها
شادند از مقدم عباس با وفا
باشد پناه خلق ز هر شاه و هر گدا
باب الحوائج است بر آنکس که زد صدا
آنکس که هست میر و علمدار کربلا
با اشک شادی ببرم دست بر دعا
زینت ده عبادت و بندگی خدا
دوم علی بود که بود او بزرگ ما
جشن مبارکی است ز یمن سه شه پیا

تبریک خاص بر احمد و زهرا و بوتراب

از شایق است تا که شفیعش شوند ، جزا

امام حسین علیه السلام

شد شب سوم شعبان اهل عالم

اومد از راه اونیکه به خاطرش شد

خنده بنشست به لب حضرت خاتم

قبول از سوی خدا توبه ی آدم

فصل خنده رسیده _ بهر شیعه نویده

عشقی تو کل عالم _ بهتر از اون کی دیده

آره امشب شب میلاد حسینه

دل زهرا و علی شاد حسینه

توی ذهن عاشقش جای چیزی نیست

جز یه چیز که اون فقط یاد حسینه

مولا حسین زهرا

آی گنه کارا بشارت البشارت

دستون رو به پر قنداقه ی او

متولد شده است آقای جنت

بزنید تا که خدا کند عنایت

مدینه گشته چراغان _ آمده شاه شهیدان

گل فاطمه و حیدر _ نوه ی ختم رسولان

شده از ولادتش عالم و آدم

شاد و برپا شده جشن در دو عالم

کاشکی که یه شب برم پیش ضریحش

سرم و به روی شیش گوشش بزارم

مولا حسین زهرا

امام حسین علیه السلام

سرودی مناسب برای اعیاد شعبانیه

فصل سرور و شادیست ماه شعبان	میلاد گل های نبی در گلستان
ماه ابوالفضل و حسین ، ماه سجاد	حضرت زهرا ز قدوم آنها شاد
نیمه ی شعبان به همه اهل جهان	مبارک مبارک بر شیعیان
چشم امید همه بر راه مولا	گو که مبارک مولد صاحب الزمان
مبارک مبارک بر منتظران	رهبر دین ، مصلح کل ، سرورمان
	تا به رخم افتد و نگاه مولا

مدح آن بزرگوار

از درگه تو جدا گشتن ابداً	بر درگه این و آن برفتن ابداً
از من تو مدال نوکری را نستان	جز جامه ی نوکری بر تن ابداً
دنیای من و آخرت من هستی	مدح به جز از تو شاه گفتن ابداً
دوری ز تو در حیات هرگز هرگز	بی فیض حضور تو مردن ابداً
شایق که به عشق تو سراید ابیات	از غیر تو ارمغان گرفتن ابداً
عمریست گدایی در تو شده کارم	هستی مه تابنده ی من در شب تارم
با مهر تو من پادشهم در همه عالم	جز مهر تو در قلب خودم هیچ ندارم
من آرزویم دیدن بین الحرمین است	تا یک شب جمعه به حرم پا بگذارم
آرامش قلب است همین نام قشنگت	ای سید ابرار حسین دار و ندارم
یک عمر اگر چه گنه کردم و تقصیر	دستم تو بگیر از کرمات گرچه که خوارم
گر شاد و اگر غمزه گردم من عاشق	در هر دو جهان نام تو با ناله برآرم
ای شاه شهیدان پسر حیدر و زهرا	از من تو شفاعت بنما حشر که زارم

به مناسبت روز عرفه

ای یوسف فاطمه تو کی می آیی
دل تنگ توام بیا امید مایی

هر بند دعا صدا زنم با زاری
یک ماه دگر زمزم خون ست جاری

عازم شده مولا به منای ثانی
از جور و جفا همه شوند قربانی

روز عرفه دلم شده شیدایی
مولا ی غریب یابن الزهرا به خدا

من غرق گناه و دیده ی خونبارم
قربان غریبی حسین زهرا

حجاج به صحرای منا و عرفات
هفتاد و دو یار آورد کربلا

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام : سه چیز موجب نجات انسان خواهد بود : بازداشت زبان از بدگویی و غیبت مردم ،
خود را مشغول به کارهایی کردن که برای آخرت و دنیایش مفید باشد و همیشه بر خطاها و اشتباهات خود
گریان و ناراحت باشد .
(بحارالانوار)

ولادت آن بزرگوار

امام سجاد امام سجاد

ز مقدم تو دلم شده شاد

مدینه و کل آسمانها

شده منور ز نورت آقا

چهارمین گل به باغ دینی

امام ما زین العابدینی

امام سجاد امام سجاد

ز مقدم تو دلم شده شاد

تو سیدالساجدینی آقا

تو عالم و بهترینی آقا

به نزد زهرا به نزد حیدر

عزیزی و نازنینی آقا

امام سجاد امام سجاد

ز مقدم تو دلم شده شاد

بین که در پیش آستان

بلند هست دست دوستان

ز مهربانی و از شفقت

به دوستان نما اعانت

امام سجاد امام سجاد

ز مقدم تو دلم شده شاد

امام باقر علیه السلام : هر چشمی روز قیامت گریان است جز سه چشم : چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد ، چشمی که از ترس خدا گریان شود و چشمی که از محرمات الهی بسته شود.

(دانشتنی های چهارده معصوم ، واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان)

ولادت آن بزرگوار

نوری ز سما سوی زمین آمده است	میلاد امام پنجمین آمده است
فرزند امام ساجدین آمده است	باقر لقب و نام محمد باشد
ترانه می خون ماه و ستاره	از آسمونا داره گل می باره
به زمستون دلها بهاره	اومد به دنیا ، امشب اونیکه
مولا مولا یا امام باقر	
دل شیعه امشب غرق سروره	شهر مدینه مملو نوره
کسی که امام سجاد رو پوره	اومده به دنیا شکافنده ی علم
مولا مولا یا امام باقر	
ای آقا تویی از هر شاهی بهتر	دستمو می گیری دنیا و محشر
سلام و تحیت جدت پیمبر	تویی که فرستاده از برایت
مولا مولا یا امام باقر	

شهادت آن بزرگوار

دلَم امشب پر ز درد و غم است ، چشمم از ماتم گشته ست گریان

شهید زهر ستم گردیده امام باقر الا یاران

واویلا صد آه و واویلا

امام محمد باقر علیه السلام

مدینه امشب غریبانه سرد و خاموش است آه و واویلا

ندارد زائر ولی مهدی در عزا باشد در بقیع حالا

واویلا صد آه و واویلا

ز راه دور ، دیده ی خونبار ، عاشقان گویند یکصدا این را

امام باقر مدد مولا یا امام باقر مدد مولا

واویلا صد آه و واویلا

امام جعفر صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام : هرکسی از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند و به آنها عمل نماید ، خداوند او را دانشمندی فقیه در قیامت محشور می گرداند و عذاب نمی شود.
(امالی للصدوق)

شهادت آن بزرگوار

ای مدینه ای دیار اهل بیت	دیده ای بسیار غم در روزگار
مدفن پاک نبی الهی	بر تو دارد بس نظرها کردگار
در بقیعت دسته گل ها کاشتی	خون نمودی قلب شیعه بی شمار
شد شهید از زهر منصور لعین	ششمین آئینه ی پروردگار
مذهب شیعه بنا بنمود او	شیعیان باشند بر او وامدار
در حریمش آتش از کینه زدند	بر محبان زین مصیبت زد شرار
شیعه گریان بر امام صادق است	گشته در این غم سیه پوش و فکار
خاک تو باشد بقیع عنبر سرشت	چار فرزند نبی در خاک تو شد یادگار
شیعیان مدیون فقه و علم او	از دل ای شایق فغان و ناله آر
یا صادق الائمه روز شهادت تو	شیعه زند به سینه از این مصیبت تو

مولا امام صادق

کبوتر دل ما پر می کشد از این جا	سوی بقیع ویران با ناله ی واویلا
	مولا امام صادق
شال عزا به گردن کرده امام آخر	در ماتم تو مولا مهدی ست دیده اش تر
	مولا امام صادق
بنیان گذار مذهب شیعه ای تو مولا	روز شهادت تو گرید تمام دنیا

مولا امام صادق

امام کاظم علیه السلام : هر که خشم خود را از مردم بازدارد ، خداوند عذاب روز قیامت را از او باز می دارد.

*هرگاه مردم گناهان تازه کنند ، که نمی کردند خداوند بلاهای تازه ای به آنها دهد که به حساب نمی

آوردند. (دانشنی های چهارده معصوم ، واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان)

شهادت آن بزرگوار

ما تم زده امام هفتم هستیم

امروز سیه پوش متألّم هستیم

دل سوخته ی امام کاظم هستیم

در حشر چو پرسند بگوئیم که ما

شیعه ز داغش می زند بر سینه و سر

مسموم زهر کین شده موسی بن جعفر

در کنج زندان _ او می دهد جان

موسی بن جعفر

بر گردنش زنجیر و غل ، آن نور عصمت

هفتم امام شیعیان در کنج غربت

می گفت گریان _ بابا رضا جان

موسی بن جعفر

گردیده آه و ناله و غصه نصیبت

یابن الحسن از ماتم جد غریبت

سرت سلامت _ از این مصیبت

موسی بن جعفر

امام رضا علیه السلام این حدیث را هنگام عبور از نیشابور به طرف مرو بیان کرد که به حدیث سلسله الذهب معروف است : خداوند جل جلاله می فرماید : لا اله الا الله دژ من است پس هرکس که در دژ من درآید از عذابم در امان است . چون مرکب به راه افتاد ، امام رضا علیه السلام فرمود : البته با شرایطش و من جزو شرایط آنم .
(التوحید ، شیخ صدوق)

ولادت آن بزرگوار

شب میلاد امام هشتمین است	پر از گل آسمان و هم زمین است
بده مژده که تابید آفتابی	که او نور خداوند مبین است
شده او ضامن آهو و ایشان	رئوف و در کرامت بهترین است
به پیش او همه شاهان گدایند	رضا عشق و رضا سلطان دین است
میان شهر های کل عالم	خراسان خوب و زیبا ، چون نگین است
گنه کاری اگر داری خجالت	بیا اینجا پناه مومنین است
کند ای کاش بر من گوشه چشمی	تمام آرزوی من همین است
بدان شایق رضا بس مهربان است	نگاه لطف او بر عاشقین است

السلام ای گل باغ نبوی امام رضا	السلام ابالحسن امام خوب و باصفا
--------------------------------	---------------------------------

آقای مهربان تویی _ تاج سر جهان تویی

رضا رضا جان خوش آمدی

می کنند ملائکه با پر و بال خودشون

جارو صحنای تو رو ز عشق آقا از دل و جون

پسر زهرا و علی _ دسته گل محمدی

امام رضا علیه السلام

رضا رضا جان خوش آمدی

شب میلاد تو دل روانه سوی مشهده

برای یه لحظه به درد دلمون گوش بده

حاجت من روا نما _ قسمتم کربلا نما

رضا رضا جان خوش آمدی

مدح آن بزرگوار

امام هشتم شیعه ، پادشاه خراسان

کسی که گشته پناهنده اش غزال بیابان

کسی که دشمن و دوست ، دیده از کرامت و لطفش

هزار لطف و کرامت و معجزات فراوان

ملائکه بگشایند بال و پر ز ره عشق

غبار روبی صحنش کنند با دل و جان

فدای خاک قدوم رضا که چون که گذر کرد

به این دیار ، پر از نور گشت کشور ایران

دلم برای ضریح رضاست تنگ دوباره

حریم محترم او بود بهشت محبان

هر آنکه آمده با آرزو و حاجتی آنجا

امام رضا بدهد حاجتش ز لطف و ز احسان

عنایتی ، نظری ، جان مادرت و جوادت

تو آگهی ز دل شایق ای امام غریبان

سلطان رؤف یا امام هشتم

راهم تو بده که کرده ام ره را گم

ای آنکه تو داده ای به آهو پناه

بر من بنما ز مهربانیت نگاه

دست من و دامان تو آقا آقا

دست من افتاده بگیری ز عطا

از پنجره ی دلم که باشد بیمار

بر پنجره فولاد تو بندم دل زار

در بارگه تو روح هر پیغمبر

با جمله ی صالحین به چشمان تر

برگرد تو ای کعبه ی جمله عشاق

در حال طواف اند به هر صحن و رواق

من را به سوی مشهد خود راهی کن

بر کشور شیعه ای شها شاهی کن

نور تو چو بر کشور ما تابیده

از هر طرفی نور خدا تابیده

رضا ضامن آهو رضا ای گل خوش بو

به عشق تو نمودم به سوی تو دگر رو

رضاجان رضا جان رضاجان رضاجان

منم واله و شیدا به درگاه تو مولا

به هنگام مماتم بگیر دست من آقا

امام رضا علیه السلام

رضاجان رضا جان رضاجان رضاجان

تو مسموم آتش زهر جفایی

تو سلطان خراسان غریب الغربایی

رضاجان رضا جان رضاجان رضاجان

کبوتر دل من در خونت نشسته

تویی قبله ی حاجت به هر زائر خسته

رضاجان رضاجان رضاجان رضاجان

یا رضا امام رضا

خاک پای زائرات

قربون کبوترات

فدای صحن و سرات

یا رضا امام رضا

آخه خوب و مهربونی

چاره دردامو می دونی

درد دلمو می خونی

یا رضا امام رضا

مس جان خودت طلا کن

برامون خودت دعا کن

نظری به عاشقا کن

یا رضا امام رضا

شهادت آن بزرگوار

بزم عزا بپا اندر جنت برین شد

مولا امام هشتم مسموم زهر کین شد

در حجره دست و پا زد - آتش به قلب ما زد

مولا رضا جان

شهید گشته مظلوم دور از دیار و خانه

مولای مهربانی آن سرور زمانه

گفتا که ای جوادم - بابا برس به دادم

مولا رضا جان

خدمت گذار زائرانش بود ملائک

آن تربتی که پاسبانش بود ملائک

درد مرا دوا کن - نظر بر این گدا کن

امام جواد علیه السلام

مولا رضا جان

به شهر مشهد امروز دل می شود روانه

بهر زیارت او دل می کند بهانه

ای آفتاب زهرا - بتاب بر سر ما

مولا رضا جان

حضرت امام جواد علیه السلام

حرز امام جواد علیه السلام: یا نُورِ یا بُرْهانُ یا مُبینُ یا مُنیرُ یا رَبُّ اکْفِنی الشُّرُورَ وَاَفاتِ الدُّهُورَ وَاسْئَلْکَ النِّجاةَ
یومَ یُنْفَخُ فی الصُّورِ.
(مفاتیح الجنان)

شهادت آن بزرگوار

ببار ای آسمان زین داغ عظمی

ز زهر ، آتش به قلب و جانش افتاد

گل زهرا فغان و ناله می کرد

ز کین ام فضل ، آن سرور دین

به روی بام زیر نور خورشید

برای سایه بانی بهر جسمش

جواد ابن الرضا از ماتمش کرد

به دامانش بزن دست توسل

شیعه هنگام سوگ و عزا شد

اشکریز چشم مولا رضا شد

بزم اهل ولا بی صفا شد

که مظلومانه پرپر گشته مولا

بنالید بی کس او در حجره تنها

کنیزان کف زنان در شور و غوغا

به هنگام جوانی رفت ز دنیا

فتاده پیکر فرزند زهرا

کبوترها گشایند بال و پرها

عزادار و غمین ، ما شیعه ها را

تو شایق تا نظر فرماید آقا

امام جواد علیه السلام

سیدی یا جوادالائمه

ام فضل لعین آن زن شوم
کرد امام از ره کینه مسموم
جان داده جواد زار و مظلوم

سیدی یا جوادالائمه

داغ مولا زد آتش به جان ها
بزم ماتم بپا کرده زهرا
در غم سرور دین و دنیا

سیدی یا جوادالائمه

باز گردیده بال کبوتر
بهر ابن الرضای مطهر
روی بام تا شود سایه یکسر

سیدی یا جواد الائمہ

امام هادی علیه السلام: فروتنی آن است که با مردم چنان رفتار کنی که دوست داری با تو چنان باشند.

(اصول کافی)

شهادت آن بزرگوار

باز ای زهر جگر خون کردی	داغ بر قلب همه بنهادی
دهمین حجت حی ازلی	هادی دین که بدش نام علی
گشت پر پر چو گلی رفت ز دست	حسن عسکری در غم بنشست
شد دوباره ز جفای دشمن	حضرت فاطمه در سوز و محن
حضرت هادی چو آن زهر چشید	در غریبی ز جفا گشت شهید
آسمان گشته دوباره بی نور	شد ستاره ی هدایت مستور
بهر آن شافع روز محشر	شایقا ناله بزن دیده ی تر
در سراسر عمر دیده ای تو آزار	چشم عسکری شد از غم تو خونبار
گریه می نماید سامرا برایت	فاطمه بپا کرده عزا برایت
صاحب الزمان شد از غمت سیه پوش	قلب شیعه بهرت ای شها زند جوش
شایقا تو امشب آه و ناله سر کن	شیعیان از این سوگ و عزا خبر کن
یا امام هادی	یا امام هادی
یا امام هادی	یا امام هادی

امام حسن عسکری علیه السلام : تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است.

(دانشنی های چهارده معصوم ، واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان)

ولادت آن بزرگوار

امشب منور گشته است آفاق از نور خدا

میلاد میمون شهنشاه زمین است و سما

آقا امام عسکری از عاشقان دل می بری

از یمن میلادت رود از قلب درد و غصه ها

بر روی دست حضرت هادی کنی خنده همی

غرق سرور و غرق شادی کرده ای تو خانه را

دل پر کشد تا سامرا در مرقد و صحن و سرات

بر لب بود نام تو حک در سر بود یاد شما

تبریک بر مهدی امام عصر این جشن و سرور

کاو شاد و مسرور است از فرخنده میلاد شما

اندر جنان گردیده برپا جشن ای مولای من

مسرور قلب حیدر و زهرا و ختم الانبیا

هستی ابالمهدی تو و نیکو سیر زیبا جبین

ابن الرضای سومی ای رهبر و مولای ما

شایق لبش خندان ، دلش شاد است از میلاد تو

او را شفاعت از کرم ، فرما تو در روز جزا

امام حسن عسکری علیه السلام

امشب از میلاد تو روی لبم این زمزمه

آمدی خوش آمدی تو ای عزیز فاطمه

از تمام خلق عالم ای شها دل می بری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری

ای امامی که ز نسل تو بیاید در جهان

مصلح کل بشر مهدی شه صاحب زمان

تو به شیعه پادشاهی ، سیدی ، تاج سری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری

بلبل امشب نغمه خواند با شغف با صد سرور

سامره نورانی امشب گشته از میلاد نور

عاشقان با هم بخوانند و کنند نغمه گری

عید میلادت مبارک یا امام عسکری

شهادت آن بزرگوار

تسلیت یابن الحسن از داغ بابت خونجگر

داد از ظلم و ستم های گروه اشقیا

هستی و از این مصیبت گشته ای تو بی قرار

کرده اند از کین شهید آن سروران تاجدار

گشته از زهر ستم مولا امام عسکری

خون چکد از چشم پاکت صاحب عصر و زمان

ناتوان مسموم و رنجور آن ولی کردگار

در عزای باب مظلومت شدیم ما داغدار

زین ستم ها زین مصیبت های پر رنج و تعب

مهدی زهرا بیا و داد از اعدا بگیر

گشته قلب نازنینت ملتهب در روزگار

ما همه چشم انتظار هستیم هر لیل و نهار

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

اَللهِ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ
 الْمُسْتَعَانُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اُولَى الْأَمْرِ
 الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصَرِ اَوْهُوَ
 أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَانْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ
 الزَّمَانِ اَلْغُوثِ اَلْغُوثِ اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي اَلْسَاعَةُ اَلْسَاعَةُ اَلْعَجَلُ اَلْعَجَلُ اَلْعَجَلُ يَا اَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .
 (دعای فرج ، مفاتیح الجنان)

ولادت آن بزرگوار

نوری به زمین ز آسمان می آید امید همه منتظران می آید	برخیز که صاحب الزمان می آید در نیمه ی شعبان گل نرجس مهدی
بر گلشن امامت آخر امام آمد مژده از این ولادت بر اهل عالم آمد	امشب به نیمه ی ماه ، ماه تمام آمد بر زخم کهنه ی دل حال التیام آمد

مهدی که عشق ما هست ، بنهاد پا به دنیا

قلبم کنم پر گل ریزم به پای مولا

مولود خوش جمال و از نسل آل یاسین نامش محمدست او چون خاتم النبیین	عیدی مبارک و خوب نبود بهتر از این از نسل مرتضی و زهراست حاکم دین
---	---

دنیاست چشم به راهش عالم کشد فراقش

دل هر زمان و لحظه می تپد از برایش

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

در هر محله و شهر امشب شده چراغان روشن شده دو عالم زین گوهر درخشان

از سوی کردگار است بر خلق دلیل و برهان هست او ولی و نوری از پیشگاه یزدان

دل می برد ز عالم ، هستی کند مصفا

او رهنمای مردم باشد به کل دنیا

تا دشمنان قرآن تا رهنزان ایمان نابود و نیست گردند ، آمد امیر دوران

دریای عدل و قدرت گردیده ست خروشان تیغ دو دم به دستش ، نابود اهل شیطان

بگرفته نرجس او را چون گل به روی دستش

هر کس که دیده او را گردیده مست مستش

شد شاد زین ولادت ، زهرا ، علی ، پیمبر جن و بشر ، ملائک ریزند گل روی سر

جشن و سرور برپا گردیده در همه شهر روز ظهور مهدی ، دنیا شود منور

خواند سرود شادی شایق ولی غمین است

مهدی بیا دعای ما در جهان همین است

امشب از عالم بالا به زمین غوغا شد شب میلاد مبارک پسر زهرا شد

قلب ما را ز قدومش به تپش آورده عالم از مقدم فرخنده ی او زیبا شد

آمد امشب به جهان یک پسری از نرجس که بود رهبر عالم که به ما مولا شد

گل بریزید ملائک به قدوم مهدی که به ما زین خبر از حق در رحمت وا شد

بانگ جاء الحق از سوی سما نازل شد که دگر شمس عدالت به جهان پیدا شد

شایق امشب به خداوند بکن این نجوا تا که شاید فرج مهدی ما امضا شد

مژده مژده یاران شد نیمه ی شعبان ، آمده به دنیا صاحب الزمان

از مقدم پر نور او شده عالم امشب چراغانی و گلباران

شاد از میلاد آخرین حجت

زهرا و حیدر شدند به جنت

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

مولا یا مهدی

یاران منتظر ماه شب چارده مهدی رخ خود نموده به دنیا

سلام و صلوات ما بر آن سلطان و سرور خوبان هماره بادا

ذکر لب ما با شور و غوغا

مهدی صاحب الزمان بیا

مولا یا مهدی

عجل الولیک الفرج یا مولا صاحب زمان آقا امام آخر

از دوریت دیگر جان آمده بر لب بنما رخ ماهت ماه منور

ای گل نرگس دنیا می خونه

عید میلاد صاحب زمونه

مولا یا مهدی

مدح آن بزرگوار

خوش بوی نما دهان خود با صلوات

تقدیم نما به پیشگاه مهدی

شاداب نمای جان خود با صلوات

زیبا گل گلستان خود با صلوات

پر شد کتاب دل ز غزل های انتظار

دل می تپد ، دیده پر از اشک ، خسته جان

یابن الحسن بیا به جهان روشنی بده

تنها دعای ماست ، دعای فرج که تا

چشم امید بر تو بود حجت خدا

ای کاش باشد یکی از نوکران تو

نای وجود سوخت ز آوای انتظار

در جستجوی توست به صحرای انتظار

پایان بده به ظلمت شب های انتظار

گردد اجابت آن ، به فردای انتظار

جز صبر نیست چاره ی دنیای انتظار

شایق ، که هست عاشق مولای انتظار

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

شد سخت روزگار و تو آقا نیامدی

سایه فکنده رنج و بلاها نیامدی

تا کی بنالیم و نباشد کسی معین

حلال مشکلات و غم ما نیامدی

آکنده از مرض شده هر گوشه از جهان

دریای پاک و صحت دنیا نیامدی

ما را فقط چشم امید است سوی تو

گوییم کای ماه دل آرا نیامدی

مهدی امام عصر ز هجرت دلم گرفت

این هفته هم گذشت تو اما نیامدی

شایق اگرچه هست سیه رو ، ولی بود

در آرزوی تو شه دلها نیامدی

سالی گذشته است حال فصل بهار است

دل طالب دیدار یار گلغذار است

بوده امیدم که بیاید دلبر من

در آرزویش چشم و دل هم اشکبار است

ای تو طیب من ، بس است دوری و هجران

از درد دوری جسم و جانم بی قرار است

کاری ز دست هیچ فردی بر نیاید

بی نور رویت ، روزگرم شام تار است

گم کرده ایم خود را نه تو ، غافل شدیم ما

اما بیا ظلم و بلاها بی شمار است

بیچارگان را دست گیری کن ز رافت

امید ما بر تو بعد از کردگار است

شایق اگر شناسی آقای غریبت

در هر دو دنیا تو بدان کار تو زار است

بیا بیا یابن الحسن ای یار غائب از نظر

نام قشنگ تو شده ذکر لب هر منتظر

ای مصلح جهانی و ای رهنما بهر بشر

ما را رهان از درد و غم از هر بلا و ظلم و شر

دنیا چه دنیایی شده در دوری از صاحب زمان

ظلم و جنایت ها دگر پُرجسته در کل جهان

در هر بلاد شیعه ای جاریست خون صالحان

در راه اسلام و تشیع تا بماند جاودان

گشته دل ما داغدار از دوری تو الامان

یارب به زودی حضرت مهدی به نزد ما رسان

بهر نجات عالم و دین خدا امداد ما

آید به عَزَّ و اقتدار از خانه ی پاک خدا

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

آندم عجب زیبا بود ، آن لحظه ی ناب ظهور
کآید ولی الله ما موسی صفت از کوه طور
بنماید آن سیمای خود کآن صورت ست از جنس نور
تابد چو بر اهل زمین زنده شود مرده به گور
آن قائم آل نبی ، خونخواه شاه کربلا
از نسل زهرا و علی ، آخر ولی کبریا
ای عاشقان ای عاشقان تنهاست مولا و غریب
گر بود بهرش سیصد و سیزده فدایی و حبیب
می کرد پا را در رکاب بهر قیام او بی شکیب
یار وفاداری نبوده ایم بهر آن نجیب
باید ز جان و دل شویم مشتاق او همیار او
شاید نصیب ما شود ، توفیق بر دیدار او

غنچه ها شکفته اند و شده پژمرده گلا
سوخت در آتش هجران تو پروانه بیا
تا به کی صبر کنیم ای همه آرزوی ما
ما فقط نام تو رو ز جان و دل زنیم صدا

مهدی یا مهدی بیا

من بیچاره چرا از دیدن تو بی نصیبم
اگه که بدم ولی تو ، توی دنیایی حبیبم
نمی شه خوب درد و غم هام آخه تو هستی طبیبم
دستم و بگیر ببین که تو فراز در نشیبم

مهدی یا مهدی بیا

تویی عشق بی نظیرم من تو رو دوست دارم
جمعه ها ز دوری تو من همیشه بی قرارم
کی میشه بیایی و من سر به زیر پات بزارم
قلبمو ز شور و شادی برا تو هدیه بیارم

مهدی یا مهدی بیا

مهدی فاطمه کن نظر بر گدا
رو مگردان ز من ای ولی خدا

حجت بن الحسن _ به فدای تو من

یا امام زمان

نکند خون شده قلبت آقای من
ز گناهان و اعمال بی جای من

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

من بمیرم برات _ بده من را نجات

یا امام زمان

وارث حضرت خاتم المرسلین

آخرین حجت و نور حق در زمین

گل طاها تویی _ هستی ما تویی

یا امام زمان

از همه تو دل می بری

ثمر باغ حیدری

حجت الله آخری

یابن الزهرا بیا بیا یابن الزهرا بیا بیا

صبر و طاقت ما کمه

برده ای دل ما همه

گل خوشبوی فاطمه

یابن الزهرا بیا بیا یابن الزهرا بیا بیا

قاطع ظلم و شر تویی

آرزوی بشر تویی

بر همه تاج سر تویی

یابن الزهرا بیا بیا یابن الزهرا بیا بیا

دنیا مدیون جاه تو

مست سیمای ماه تو

عاشقان چشم به راه تو

یابن الزهرا بیا بیا یابن الزهرا بیا بیا

ز رنج و بلا تو یاران خود رهان

به تاریکی دل من تو روشنی

بتاب آفتاب هستی به این جهان

گل فاطمه عزیز دل منی

امام زمان بیا بیا بیا

مبادا مرا برانی تو ای وحید

تویی یاور تمامی شیعیان

گنه کارم و به تو بسته ام امید

به غیر از تو کی پناه است به عاشقان

امام زمان بیا بیا بیا

نشاطی تو بر دلای فسرده

و یا در نجف به پیش گاه مرتضی

تو آرامشی به طوفان زندگی

کجایی یقین مدینه و کربلا

امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

امام زمان بیا بیا بیا

تو یار با وفایی من گشتم از تو غافل دنیای بی تو دیگر دارد چه سود و حاصل

یابن الحسن کجایی

تو یار شیعیانی تو خوب و مهربانی ای آخرین امامی که مصلح جهانی

یابن الحسن کجایی

ما منتظر به راهت دل می طید برایت ما را قبول فرما در زیر خاک پایت

یابن الحسن کجایی

قطعه ی امام زمان در عزای مادر سادات حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها

الا یا اهل عالم ماتم جانسوز زهرا شد امام عصر یا مهدی به تو ما تسلیت گوئیم

عزاداران زهراییم و سینه زن بر آن مادر همواره راه زهرا و علی را جمله می پوئیم

اگرچه سر زده جرم و خطا بسیار از نوکر ز هر آلودگی در روضه جان خویش می شوئیم

بیا مهدی تویی کز داغ مادر دیده خونباری بگیری انتقام کشته ی بین در و دیوار

فدا شد در ره حیدر گل بستان پیغمبر ز داغ او بود چشم محبین ای شها خونبار

اگر پنهان بود قبرش سند باشد برای ما کنار تربتش شب ها نشینی با دو چشم زار

مهدی زهرا از غم مادر ریزد سرشک غم با چشم تر

مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی

فاطمیه شد خونجگر حیدر بزن ناله دل از بهر حیدر

مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی

صاحب الزمان گشته سیه پوش از دوری او دل می زند جوش

مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی

خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

ولادت حضرت زینب سلام الله علیه

خنده امشب روی لب دارد علی

شب ، شب میلاد زینب باشد و

در بغل بگرفته یک زیبا گلی

شاد و نورانی شده هر محفلی

مژده بر حیدر امام اولین

بوسه بر رویش پیمبر می زند

فاطمه آورده یک زیبا جبین

باشد این دختر چو مادر بهترین

او ستاره ای در این طول شب است

بر حسین گوید خواهر دار شد

تا سحر نامش به روی هر لب است

زینب است این زینب است این زینب است

او که پرچمدار عاشورا بود

باحیا ، با عفت و بانوی دین

کوه صبری بین سختی ها بود

در کمالات او چنان زهرا بود

هست زینب را خدایش دوستدار

شایقا یاد شهیدان حرم

هست در اوج محن او با وقار

کن که کردند حفظ ، از این اقتدار

خواهر شاه کربلا هستی

ماه دمشق السلام ای عشق

تو دختر شیر خدا هستی

گلشن دین را صفا هستی

یا زینب مددی زینب

زینبا تو واژه ی عشقی

این قدر دوست داری حسین و

باغ دین را لاله ی عشقی

تو لیلی جاده ی عشقی

خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

یا زینب مددی زینب

از این ولادت مسعود

زهره و مرتضی خشنود

یک سوره دهند از جود

عیدی یک کربلا و

یا زینب مددی زینب

امام صادق علیه السلام: در سرزمین قم زنی از فرزندان من که نام او فاطمه و دختر موسی بن جعفر است از دنیا خواهد رفت و شیعیان من همگی به برکت شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید.

(مجالس المومنین)

ولادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه

ای خواهر امام رضا شاه تاجدار

یا معصومه بانوی با عز و با وقار

تو در کمال و علم، ز علامه برتری

تو نازنین دختر موسی بن جعفری

در مرقدت دل همه عشاق گشته گم

جوید تبرک از تو همه خاک شهر قم

از مشهد و کربلا جلوه دیده ام

در مرقد تو عطر بهشتی شنیده ام

یک خط نور که هست مسیری برای ما

از قم کشیده تا حرم حضرت رضا

من غیر آستان شما نیست منزلم

گاهی به مشهد و گاهی قم رود دلم

روز جزا ز شایق عاشق شفاعتی

ای بانوی بزرگ شما با کرامتی

از مژده ی میلاد تو ایران پر نور است

یا حضرت معصومه دلم غرق سرور است

تبریک تبریک ای دخت امامت

محتاج تو هستیم به یک نیم نگاهت

بر ما تو نگاهی کن و از روی عنایت

تبریک تبریک ای دخت امامت

خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام

هم دخت امامی تو و هم اخت امامی

هم عمه ی نهمین امام شیعیانی

تبریک تبریک ای دخت امامت

یک رز سفیدی تو گلخانه ی دین را

کردی تو معطر همه جا روی زمین را

تبریک تبریک ای دخت امامت

محرم الحرام

از ابن خارجه نقل می کنند که گفت : ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم و نامی از امام حسین علیه السلام برده شد ، امام صادق علیه السلام گریان شد و ما هم گریستیم. سپس آن بزرگوار فرمود : امام حسین علیه السلام فرموده : من کشته ی اشک هستم ، هیچ مومنی به یاد من نمی افتد مگر اینکه گریان خواهد شد.

(کامل الزیارات)

درد دل بسیار دارم یا حسین	از غم دل اشکبارم یا حسین
راه سرخ تو بود آرمان من	در رهت من جانثارم یا حسین
افتخارم در دو دنیا باشد این	که تو را خدمتگذارم یا حسین
کربلایت هست تنها عشق من	روز و شب من بی قرارم یا حسین
تو گرفتی دست من در زندگی	من ز لطف شرمسارم یا حسین
روز محشر شایق امیدش تویی	جز تو مولایی ندارم یا حسین
من نوکر توام ارباب من تویی	در آسمان دل مهتاب من تویی
ممنونم از تو که در بزم روضه ها	دعوت نمودیم ای شاه کربلا

مظلوم حسین حسین

اشک عزای تو شد آبروی من	کن یک نگاه لطفی تو به روی من
پیراهن سیاهت زندگانی ست	برتر ز ثروت و مال جهانی است

مظلوم حسین حسین

گردد سرم فدای راس اطهرت	حلقوم من شود سپر بر اصغرت
بنما قبول درگاہت به نوکری	شایق که می کند بهر تو ذاکری

مظلوم حسین حسین

محرم الحرام

شب اول محرم

محرم است و عزادار حضرت زهراست

فکنده شال عزا را به گردنش مهدی

حسین سبط پیمبر به همره یاران

برای اینکه حفاظت کند ز دین خدا

علی اصغر او تشنه کشته می گردد

حسین غریب ولی زینب و عزیزانش

خدا به حق حسین جرم ما همه بخشد

گشته برافراشته پرچم ماه عزا

پیرهن مشکی حسین دارم به تن

بساط ناله و ماتم به هر کجا برپاست

دلش ز ماتم جد غریب خود غوغاست

ز تیر و نیزه و خنجر شهید راه خداست

عروسی علی اکبر ز ظلم و کینه عزاست

در علقمه جدا دست از تن سقااست

ز بعد او گرفتار قوم بی پرواست

امید شایق غمگین به سیدالشهداست

ماه محرم شد و داد منادی ندا

سینه زنی بر مصائبش شده کار من

سیدی مولا حسین

در عرش اعظم ملائک همه گریان ز غم

شاه شهیدان حسین به کربلا آمده

حضرت زهرا به سوگ و آه و افغان ز غم

ماه عزاداری خون خدا آمده

سیدی مولا حسین

شب دوم حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام

ای مردم کوفه بی وفایید

با مسلم کرده اید بیعت

گفتید به شاه عالمینم

آن رشته ی عهدتان گسستید

در کوفه غریب و بی معینم

آقا به فدات باد مسلم

از دین خدا شما جدایید

کردید ولی کنون خیانت

کآید به دیارتان حسینم

از سنگ جفا سرم شکستید

جز ظلم و ستم دگر ندیدم

الحال نما تو یاد مسلم

محرم الحرام

از کوفه و کوفیان حذر کن	رو بر سوی خطه ی دگر کن
در این غربت ندارم یار و یاور	عجب تنها شدم الله اکبر
حسین جانم حلالم کن حلالم	به راحت ای شها من می دهم سر
میا کوفه که اینان بی وفایند	شوی بی قاسم و عباس و اکبر
به من کردند بیعت اول کار	به شب بر من بیستند جملگی در
غریب و بی کس و تنها به کوفه	گرفتارم به چنگ قوم پر شر
بریزند گرچه از کین خون مسلم	سرت بادا سلامت ای تو سرور

کوفه میا مولا حسین

جانم فدایت یا حسین

آواره ی کویت شده

هرگز نلرزیده دلم

مسلم فدایت شده

دارالعمارہ مقتلم

کوفه میا مولا حسین

جانم فدایت یا حسین

ای سبط ختم المرسلین

گردد سرت از کین جدا

گویم به آواز حزین

کوفه اگر آیی شما

کوفه میا مولا حسین

جانم فدایت یا حسین

گریان دو چشم زینب است

زینب شود زار و فکار

در کوفه روز از کین شب است

گر پا نهی در این دیار

کوفه میا مولا حسین

جانم فدایت یا حسین

محرم الحرام

مشتاق روی ماه تو

جان می دهم در راه تو

گردد تنم بی سر حسین

ای شافع محشر حسین

کوفه میا مولا حسین

جانم فدایت یا حسین

کوفی کینه جو باشد و بس بی وفا

یابن فاطمه به سوی کوفه میا

دستم از جفا بسته شده – قلبم زین جهان خسته شده

یا حسین حبیبی یا حسین

تا به نزد من بیایی در بالای دار

با چشم پر از اشکم کشم من انتظار

سر من به قربان سرت – دور باد بلا از اکبرت

یا حسین حبیبی یا حسین

شمر می نماید از تن تو سر جدا

کوفه بر کسی رحم ندارد ای شها

کن حلالم و کوفه میا – ای عزیز قلب مصطفی

یا حسین حبیبی یا حسین

دو طفلان مسلم بن عقیل

بریدند سر به طور وحشیانه

دو بلبل را به دور از آشیانه

بدون جرم و بی تقصیر و عصیان

اسیر بند ظالم آن دو طفلان

یتیم و بی پناه و زار و مغموم

دو طفل مهربان و پاک و مظلوم

ز کین دشمنان آواره بودند

به غربت در فغان و ناله بودند

الهی که شود جایش ته نار

سر هر دو برید آن شوم قدار

بگرید زین مصیبت نهر کوفه

به پا شد کربلا در شهر کوفه

محرم الحرام

دو طفل زار مسلم ، آواره در بیابان
در کوچه های کوفه هر دو غریب و خسته
گفتند به آن ستمگر بابا به سرمان نیست
رحمی نما یتیمیم ما کودکان بی یار
تنها و بی پرستار و با دو چشم گریان
دل از جفای مردم بی وفا شکسته
در چنگ گرگ صحرا ره گریزمان نیست
سرشان را جدا کرد از دم تیغ خونبار

واویلتا واویلا ؛ واویلتا واویلا

شب سوم حضرت رقیه سلام الله علیها

در کنج خرابه یک سه ساله
آخر شده خاک و سنگ ویران
من دختر شاه عالمینم
پایم زده آبله خدایا
من کودکم و یتیم و خوارم
بابا به کجا تو رفته باشی
چون نیست دگر عمویم عباس
سیه شده روی و پیکر من
بیا غساله در این ویران
شده خاموش نطق بلبل ما
چشم زینب را تو ببین گریان
تو بیا و بر ما نما احسان

رقیه رفته به سوی خدا بده غسلش از برای خدا

اگر جسمش گشته ست کبود
ز ضرب چوب و رسن دست و
در سه سالگی مردن برایش زود
پای او بر بند ستم شده بود

رقیه رفته به سوی خدا بده غسلش از برای خدا

محرم الحرام

نخورد آب و تکه نان ای وای

با دل پر غم داده جان ای وای

در این گوشه جسم کوچک او

دفن گردد داد الامان ای وای

رقیه رفته به سوی خدا

بده غسلش از برای خدا

غریبان را هیچ یاری نیست

کار ما غیر از اشک و زاری نیست

به ما ضرب تازیانه و زخم

زبان شامی علاجی نیست

رقیه رفته به سوی خدا

بده غسلش از برای خدا

پژمرده ای آخر چرا زیبا گل من

آواز حُزنت گشته خامُش بلبل من

رفتی ز دنیا _ از جور اعدا

آه و واویلا

تشنه لب و دل پر ز درد ای غم نصیبم

رفتی غریبانه ز داغ تو خمیدم

ای ماه تابان _ گشتی تو پنهان

آه و واویلا

ای نور چشم عمه گریم از برایت

از دیدن راس پدر شد این نوایت

رقیه ات را _ ببر تو بابا

آه و واویلا

محرم الحرام

شب چهارم جناب حر ریاحی

بر درگه تو آمده ست عبد گنه کار	بر من نظری کن تو ایا سرور ابرار
گر ره به تو سد کردم و قلب تو شکستم	از روی تو من حال خجالت زده هستم
ای که به جوانان بهشتی سر و سرور	بخشا تو خطای حر محزون و مکدر
من خادم درگاه تو هستم تویی مولا	گردد پسر من نوکر شه زاده ات آقا
جانم به فدای تو ایا شاه مدینه	برگو ز کرم تا کندم عفو سکینه
حرم و آمدم بر درت با گناه	جان زهرا به من از وفا کن نگاه

سیدی یا حسین

خجلم من ز روی تو و خواهرت	ای شها عفو نما به فدای سرت
یا به قرآن ببخش یا به تیغ دو دم	سر من کن جدا ، کرده ام من ستم

سیدی یا حسین

سیدی یا حسین

شب ششم حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام

قاسم ای تازه جوان ای گل باغ حسنم	زنی از سوز نگاه خودت آتش به تنم
کردی با سن کم خود متحیر دشمن	در گفت تیغ گرفتی چو علی باب من
بود امیدم که تو را جان عمو شاد کنم	شب دامادی تو خانه ات آباد کنم
حیف و افسوس که شد از ستم قوم دغا	شادی و بزم عروسی تو در دهر عزا
سیزده ساله جوانم تو که رفتی به جنان	تو سلامم به حسن ، جان برادر برسان
کربلا داغ جوانان به دلم بنهادی	تو نکردی به من از راه وفا امدادی

محرم الحرام

ای سیزده ساله جوان قاسم ابن الحسن

ای طوطی باغ جنان قاسم ابن الحسن

در برم دست و پا مزن ای ماه رو گشته شرمنده از روی پاکت عمو

قاسم بن الحسن

گفتی شهادت بهر تو باد همچون غسل

عروسیت از کین شده است به ماتم بدل

چون علی اکبرم ، پاره پاره تنی گل باغ حسن ، تو عزیز منی

قاسم بن الحسن

از خون مظلومانه ات بر روی صحرا

بشکفته صد آلاله ی عاشقی جانا

من چگونه برم جسم تو در حرم به روی دست خود جسم تو می برم

قاسم بن الحسن

شب هفتم حضرت علی اصغر علیه السلام

امشب دلم یاران ز درد و غم کباب است

گریان هر مرد و زن و پیر شباب است

در کربلا غوغای دیگر گشته برپا

بشکسته از شرمندگی قلب رباب است

شیری ندارد بهر آن شش ماهه معصوم

گریه و افغانش گمانم بی جواب است

سیراب گشته حال در آغوش بابا

در خواب رفته ، خون حلقش جای آب است

محرم الحرام

داده حسین کوچکترین رزمنده اش را

در راه حق چون این برای او صواب است

شایق اگر تو زین مصیبت خون بگری

شافع علی اصغر به تو ، روز حساب است

علی اصغر غنچه ی نشکفته دو چشمانت از وفا وا کن

نگاهی در این دم آخر ای عزیزم بر روی بابا کن

علی اصغر ای علی اصغر

علی اصغر گشته ای پر پر از دم تیر و شاخه ات بشکست

شهید راه خدا گشتی مادرت در سوگ و غمت بنشست

علی اصغر ای علی اصغر

الهی خیری نبینی ای حرمله اصغر پاره پاره شده

که از ستمت اشک جاری از چشم من نه که از سنگ خاره شده

علی اصغر ای علی اصغر

شب هشتم حضرت علی اکبر علیه السلام

دست و پا می زنی ای روح و روان لیلا

از چه رو قد تو بابا شده نقش صحرا

بی خبر هست که گردیده عروسیت عزا

مادرت منتظرست تا که بیایی خیمه

آه ، کوتاه شده بعد تو عمر بابا

غرق خون از چه تو را بینم ، خم شد کمرم

شاد کن قلب مرا حال میان اعدا

لحظه ای چشم خودت باز به روی من کن

ای جوانان بنی هاشمی آید اینجا

طاقتم نیست برم جسم تو را در خیمه

به سوی حجله ی ماتم ببریدش حالا

بدن اکبر من را ز وفا بردارید

محرم الحرام

آرزویم بود که ای بابا ، در زمانه تو بشوی داماد

خواستم تا من که ببینم تو ، گشته ای ، ای جان پدر دلشاد

ای علی جانم ای علی جانم

غرق خون چهر شبه پیغمبر ، بر دلم زین غم زده ای آتش

دشمنم شادی کند از کینه ، مادرت بیند می نماید غش

ای علی جانم ای علی جانم

علی جان ، علی جان ، علی علی علی جان ، علی اکبر(۲)

جوانم دامادی تو آرزویم بود

رفتی ز پیش ما ای علی اما چه زود

قلب بابت از غمت شکسته

لیلا به غم نشسته علی اکبر(۲)

علی جان ، علی جان ، علی علی علی جان ، علی اکبر(۲)

زین مصیبت عظمی اندر دار فانی

بعد تو من نخواهم دیگر زندگانی

شبه روی پیمبر علی

همنام حیدر علی علی اکبر(۲)

علی جان ، علی جان ، علی علی علی جان ، علی اکبر(۲)

من تو را تقدیم خدا کردم

پاره ی قلبم را جدا کردم

ای علی اکبر ای علی اکبر

با نگاهی شاد قلب بابا کن

ای جوان من چشم خود وا کن

ای علی اکبر ای علی اکبر

محرم الحرام

جسم تو صد پاره شده از خنجر

تشنه جان دادی شبه پیغمبر

ای علی اکبر ای علی اکبر

ای جوان من غرق خون گشتی

سرو سرخ دشت بلا هستی

ای علی اکبر ای علی اکبر

در کتاب معجزات حضرت عباس علیه السلام که مؤلفش یک پاکستانی است نقل شده که برادرش شیخ جعفر می گوید: برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه سیدی جلیل القدر، از کربلاء عازم نجف گشتیم. در بین راه ساختمان عظیمی را مشاهده کردیم که اطرافش درختهای بسیار زیبایی بود. به نظرم رسید من کرارا از اینجا عبور کرده ولی چنین ساختمانی را ندیده ام، در فکر بودم که این منزل با این عظمت از آن چه کسی می باشد؟ در همین وقت کسی آنجا پیدا شد و گفت: این منزل از آن من است، دعوت میهمانی مرا قبول کنید و به منزل بیایید. در اجابت دعوت او، من و آن سید بزرگواری که همراهم بود، وارد ساختمان مزبور شدیم. خانه ای همانند بهشت بود که تمام وسایل راحتی در آن وجود داشت.

همه جا سبز و خرم بود، مرغان خوش الحان، نهرهای جاری، درختهای پرمیوه، گلهای خوشبو و عطرهای جالب از همه جای آن پدیدار بود. غرق در تماشا بودم که یکدفعه کنار این خانه چشمم به منزل دیگری افتاد و با دیدن آن تعجب من افزون شد. آن منزل نیز همانند منزل اول، از نظر ساختمان و تزئین، خارج از حد توصیف و بیان بود. در منزل دوم شخصیتی بزرگ و نورانی را دیدم که در وسط منزل جلوه گری می کرد. بنده با کمال ادب سلام عرض کردم و ایشان جواب مرحمت فرمودند. همچنین به سیدی که همراه من بود توجه فرموده و گفتند: این سید را، که ذاکر سیدالشهداء علیه السلام است به فلان مقام ببرید و با آب سرد و طعام لذیذ از وی پذیرایی کنید و هر چیزی که بخواهد برایش مهیا سازید. ما را به مقامی بردند که آنجا آب

محرم الحرام

سرد و طعام لذیذ وجود داشت. من طعام را خورده تا سیر شدم، سپس آن سید را قسم دادم که آن مسند نشین صدر خانه کیست؟ و این چه مقامی است؟ سید فرمود: اسم این مقام (وادی مقدس) است و اسم آن جناب نیز حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می باشد و این منزل مال آن عزیز است.

اینجا مقامی است که در آن همه شهدای کربلاء جمع شده و به محضر حضرت سید الشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام می روند. به ایشان گفتم: در تاریخ خوانده و از ذاکرین امام حسین علیه السلام شنیده ام که می گویند: در کربلاء هر دو دست حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام قطع شده بود. سید گفت: بلی، بدون شک چنین بوده. به او گفتم: برای رخصت آخر، مرا پیش آن حضرت ببرید تا با چشم خود ببینم که حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام دست ندارد. وی دوباره مرا به محضر آن جناب برد، لحظه ای که چشم من به دست بریده آن حضرت افتاد، شروع به گریه کردم و ناگهان بر زبانم خود به خود چند بیت شعر جاری شد که مفهوم آنها این بود: دشمنان، جسم آن حضرت را با تیر پاره پاره کردند و مشک آب را تیکه تیکه ساختند که با رنج بسیاری آن را از آب پر کرده بود، آن وقت با قلبی اندوهبار و چشم پر نم، برادر خود امام حسین علیه السلام را صدا زد و گفت: ای مولایم، ای حسینم، تمام امیدهایم به خاک سپرده شد. افسوس و صد افسوس که در رساندن آب به خیمه ها موفق نشده و اجلم فرا رسید.

ایشان می گوید: با شنیدن این بیت، حضرت علیه السلام نیز گریه کردند و فرمودند: ای شیخ، خدا به شما صبر دهد، من مصیبت هایی را دیده ام که اصلاً شما از آن اطلاع ندارید.

(ابوالفضل العباس علیه السلام، جلد دوم، به قلم قاسم رجبیان)

شب نهم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

نشستم چون لب آب روان خوش باصفا بود آب	کفی ز آن برگرفتم تا به نزدیک دهان آرم
عجب آبی نوازش داد دستم اندر آن گرما	ولی بر آب دادم آب و از چشمم همی بارم
به ناگه این ندا دادم که ای عباس در خیمه	سکینه تشنه ی آب است ، زین غم دیده خونبارم
نمودم آب مشک خویش و بر دوشم روان گشتم	ولی افسوس از تیر جفا من از تو شرمسارم
جدا شد از بدن دستی که خورد بر آب ای مولا	به چشم و جسم من دشمن ، زند تیر شرر بارم
ز تو خواهم که تا روح است در جسمم مرا هرگز	مهر در خیمه تنها ، از تو این یک خواهشی دارم
تو را من دوست دارم از طفولیت تو سلطانی	تو را من نوکرم گرچه سپاهت را علمدارم
تو را سقا و سردار سپاهت بودم و اکنون	شهیدت گشتم و گویند این بر مادر زارم

عباس تا که زد به فرات آن زمان قدم	شط فرات خجل شد و جوشید پر ز غم
مشکی پر آب کرد روان شد به خیمه ها	تا جرعه ای رسد به لب خشک بچه ها
سقای تشنگان که لب خویش تر نکرد	بود آرزو که آب روان در حرم برد
دستان او ز راه جفا شد ز تن جدا	تیر ستم به چشم زدندش صف دغا
بر خاک اوفتاد دل عالمی بسوخت	از اشک او هر ملک و آدمی بسوخت
گفتا برادرم به دل اشکبار من	اکنون بیا تو این دم آخر کنار من
هستم غلام تو تو مرا سروری حسین	رأسم بگیر به دامن ای نور هر دو عین

اگر دستم جدا گردیده از تن	به راه تو اگر جان می دهم من
خجل از دخترت هستم برادر	ولی از عشق تو مستم برادر
حسین جان ناله ام بشنو و بشتاب	که سقاییت نشد آب آورد آب
بگو با خواهر محنت قرینه	که چون رفتی تو بی من در مدینه
بگو بر مادرم آن زار محزون	ابالفضلت شده در خاک و در خون

محرم الحرام

ولی زهرا برایم در نوا شد	بگو در علقمه دستش جدا شد
که ریزد بر رخم کز خون شده تر	فدای اشک چشمان تو سرور
که از داغ ابالفضل گشت گریان	الهی حرمت شاه شهیدان
رسان در کربلا تو عاشقانش	ببخشا دوستان و شیعیانش
عنایت کن خدا بر جمع حضار	به خون پاک عباس علمدار

زبانحال سکینه دختر امام حسین(ع) در سوگ عمویش حضرت عباس(ع)

بابا بگو مگر که مشک ، نکرده آب سقای ما	چرا عموی قهرمان ، نیامده به خیمه ها
نکنه بی عمو شدیم ؟ که صورتت پر از غمه	دلم گرفته ای پدر ، بگو چرا قدت خمه
عمو عمو عمو عمو	
دیگه سکینه حرفی از ، آب نمی زنه به خدا	اگر دوباره در حرم ، بیاد عموی باوفا
بابایی بی علمدارش ، ز زندگی دیگه سیره	حرم دگر بدون او ، پر اضطراب و دلگیره
عمو عمو عمو عمو	

کشم من خجالت ز طفل حسین	الا تیر و ای خون ببندید دو عین
بر آن طفل بی تاب - نشد آورم آب	
حسین جان حسین جان	
به راه حسین جان نمایم فدا	تو ای دست گشتی ز پیکر جدا
بود این شهادت - برایم سعادت	
حسین جان حسین جان	
مرا مادرت خوانده باشد پسر	به راه تو گر داده ام دست و سر
تویی سرور من - تویی رهبر من	
حسین جان حسین جان	

محرم الحرام

علقمه غوغا شد ، دست حق جدا شد

میهمان جسمت مادرم زهرا شد

نقش صحرایی ای علمدارم

من چگونه جسم تو بردارم

یا ابوفاضل یا ابوفاضل یا ابوفاضل عباس ابوفاضل

پاشو از صحرا عباس ، ای پناه ما عباس

بر حرم آل الله هستی تو سقا عباس

پشت من بشکست ای برادر جان

عمر من کوتاه دیده ام گریان

یا ابوفاضل یا ابوفاضل یا ابوفاضل عباس ابوفاضل

ای امید عالمین ، نور چشمان حسین

در حرم افتاد از داغ تو شور و شین

دست شایق را گیر ای عباس

کن نگاهی عشاق خود عباس

یا ابوفاضل یا ابوفاضل یا ابوفاضل عباس ابوفاضل

زاده ی ام البنین دلبد زهرایی

نور چشم عالم هستی و آقایی

ای سقا و علمدار فدای تو کردم

فدای دو دست جدای تو کردم

ابالفضل یا ابالفضل ابالفضل ابالفضل

شجاعت و رشادت تو همچو حیدر

نمودی جانفشانی از بهر برادر

به سوی فرات آمدی تو تشنه لب

شهید گشتی تشنه ایا فخر عرب

ابالفضل یا ابالفضل ابالفضل ابالفضل

از غمت خمیده شده پشت برادر

گشته زینب از داغ تو زار و مضطر

آمد بی صاحب علم از سوی میدان

حسین با قلب خون و چشمان گریان

ابالفضل یا ابالفضل ابالفضل ابالفضل

محرم الحرام

سقای دشت کربلایی یا ابالفضل

نامت دواى درد من باب الحوائج

کن یک نگاهی یا ابالفضل

مشکل گشایی یا ابالفضل

یا ابالفضل یا ابالفضل

دادی دو دست خود تو در راه برادر

گشتی شهید با کام تشنه ای تو سقا

سردار لشکر یا ابالفضل

در راه داور یا ابالفضل

یا ابالفضل یا ابالفضل

حضرت عباس سقای طفلان

شد جدا دستت در ره یزدان

هم علمدار لشکر قرآن

بر حسین تقدیم کرده ای جان

یا ابوفاضل یا ابوفاضل

چو فتادی ز زین تو به روی زمین

از شنیدن ماتمت حزین

بود بر چشم نازنینت تیر کین

شد دل تمامی محبین

یا ابوفاضل یا ابوفاضل

شد شکسته سر تو ز ضرب عمود

فاطمه گرید بر غمت چون رود

علقمه سر به سر غرق خون شده بود

زینت صحرا مشک و دست و خود

یا ابوفاضل یا ابوفاضل

در خیمه نشسته دختری حزینه

آگهی از حاجتم در سینه

می کشد انتظار تو را سکینه

کن روا حق شاه مدینه

یا ابوفاضل یا ابوفاضل

محرم الحرام

دوست دارم ابالفصل

از مهربانی بکش

مشکل گشا ابالفصل

دریایی از رشادت

پشت و پناه و یاور

مشکل گشا ابالفصل

سر لشکر و علمدار

ماه منور هستی

مشکل گشا ابالفصل

با صد هزار آرزو

حاجتم از حق بخواه

مشکل گشا ابالفصل

ای سرورم ابالفصل

دست رو سرم ابالفصل

هستی تو با صلابت

باشی تو بر امامت

هستی به شاه بی یار

در ظلمت شب تار

بر تو نمودیم رو

داری تو بس آبرو

محرم الحرام

شب دهم شب عاشورا

امشب شب عاشوراست	در عرش عزا برپاست
جن و ملک از این غم	در ناله و در غوغاست
فردا ز ره کینه	صد پاره تن مولاست
شیون ز جنان آید	این ناله ای از زهراست
از خون شهیدان بین	رنگین همه ی صحراست
خون گریه کن ای شیعه	چون حادثه ای عظمی است
چون عصر شود فردا	شاه شهدا تنه‌است
فردا چو شود ، ای داد	هر طفلی و بی باباست
شایق شب عاشورا	چشمت مثل دریاست

امشب اندر خیام حسینی یاوران گرم راز و نیازند ظهر فردا به پای حسین فاطمه جان خود را ببازند

کربلا قتلگاه حسینی

کربلا امشب کن مدارا ، از وفا تو بر اولاد زهرا

کز ستم می شود جسم ایشان ظهر فردا به خون نقش صحرا

کربلا قتلگاه حسینی

دور هر خیمه می گردد عباس علمدار و آن میر لشکر در یم خون فتد ظهر فردا با دو دست بریده ز پیکر

کربلا قتلگاه حسینی

عصر فردا غریبانه افتد بر روی خاک شاه شهیدان شایق از این مصیبت بزن بر سینه و سر تو با چشم گریان

کربلا قتلگاه حسینی

محرم الحرام

سلام من بر تو خون خدا ، پاره پاره بدن شاه کربلا

که در زیر تیغ دشمن خود ، کرده ای تو دعا مهربان مولا

به قربان اشک و ناله ی تو فدای دخت سه ساله ی تو

حسین جانم ای حسین جانم

بخوان قرآن روی نیزه تسلی بده قلب خواهرت زینب

منور کن ای تو خورشیدم بر فراز نی در دل این شب

بسوزد دل در مصیبت تو که نور حق هست طینت تو

حسین جانم ای حسین جانم

شد از خون پاک تو خاک دشت کربلا چون عقیق یمن

بود درمان همه دردی تربت باشد مهر سجده ی من

بیا دردم کن دوا جانا تو به حق مادرت زهرا

حسین جانم ای حسین جانم

عشقم تویی ختم کلام

از راه دور بر تو سلام

من گفتار کربلام

باشد حرم ، بهرم بهشت

ای شاه کربلا _ مولای سر جدا

ما را ز درگهت _ هرگز مکن جدا

لبیک یا حسین

از داغ تو قلبم حزین

دیوانه ات هستم ببین

بنما قبول تنها همین

من سرفراز از نوکریت

دنیا فقط حسین _ عقبی فقط حسین

بر سوخته دلان _ مولا فقط حسین

محرم الحرام

لبیک یا حسین

سقای کربلا باشد برادرت
دستش جدا شده در راه عشق تو
سلطان تویی و اون سردار لشکرت
فرزند خود خطابش کرده مادرت
ای شاه و ای وزیر _ شمس و مه منیر
در محشر از کرم _ دست مرا بگیر

لبیک یا حسین

شام غریبان

یابن الحسن در کربلا غوغا به پا شد
جسم شریف آن جناب بر خاک صحرا
از پیکر جد غریبت سر جدا شد
در زیر سم مرکب دشمن رها شد
از ظلم و کین آتش به جان خیمه ها شد
انگشت قطع از دست شاه کربلا شد
قلب شریف خون شد و قدت دوتا شد
شایق به قلب حضرت مهدی تو آتش
ما هرچه گوییم و شنیدیم را تو دیدی
در کربلا جسم شاه شهدا صد چاک
از خنجر آن ساربان بی مروت
از ظلم و ستم یاران افتاده به روی خاک

مولا ابی عبدالله

در خیمه غریب و زار افتاده تن بیمار
آن عابد دلخسته ، چارم گل این گلزار

مولا ابی عبدالله

زهرا به جنان گریان از داغ حسینش شد
گردیده عزادار احمد خون دو عینش شد

مولا ابی عبدالله

شایق تو بکن گریه بر حضرت ثارالله
امشب که عزیزانش در ناله شدند و آه

مولا ابی عبدالله

محرم الحرام

نوحه ی شب یازدهم محرم

امشب تن پاک حسین افتاده روی خاک
زین ماتم عظمی شده چشمان من نمناک
افتاده روی خاک
چشمان من نمناک
زهرا عزادار است - از دیده خونبار است

مظلوم حسین جان

آن جسم اطهر زیر سم مرکب اعدا
گردیده با خاک زمین یکسان گل زهرا
صد آه و واویلا
یکسان گل زهرا
صاحب زمان زین غم - گردیده پشتش خم

مظلوم حسین جان

نوحه ی اربعین حسینی

آمدن در کربلایت با غریبان یا حسین
قد خمیده داغدار و سینه سوزان یا حسین
یا حسین و یا حسین و یا حسین
لاله ی من در همین صحرا ز کین پرپر شدی
از دم تیغ و سنین جان اخابی سر شدی
یا حسین و یا حسین و یا حسین و یا حسین
پایدار از خون تو شد تا ابد دین خدا
تربت نورانی ات شد کعبه ی اهل ولا
یا حسین و یا حسین و یا حسین و یا حسین

دیگر نوحه های شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

مولا حسین حسین حسین حسین

ای پاره پاره تن عزیز پیغمبر
مصیبت تو شد غم یکسر
فدای نوگلت علی اصغر
مولا حسین حسین حسین حسین

به زیر تیغ دشمن بد طین
به ذکر حق تو بودی شاه دین
ز غربت تو شد جهان غمگین
مولا حسین حسین حسین حسین

محرم الحرام

پیکر تو فتاده بر زمین آقا	به زیر سم اسب واویلا	شکسته پشت مادرت زهرا
آواره گشته اند در بیابانها	مولا حسین حسین حسین حسین	قامت خمیده زینب کبری مولا
قبله اهل عالم نور چشمان خاتم	من تو را دارم - هستی اربابم	کربلات تنها شده توی دنیا آمالم
درمون درد من تربت کربلاست	یا ثارالله ابی عبدالله	هستی مون عشق و نوکری تو روضه هاست
حضرت فاطمه می خوام از تو همین	السلام علی - ساکن کربلا	کن نظری سوی نوکرای غمین
	یا ثارالله ابی عبدالله	بده به دست ما - تذکره کربلا
درس مکتب عاشورا چنین است	یا ثارالله ابی عبدالله	مرگ سرخ به از حیات ننگین است
شش ماهه طفل او علی اصغر	مظلوم حسین جان	در راه قرآن ، شاه شهیدان ، داده سر و جان
دلها غمین شد ، شهیدکین شد ، آن جان جانان	مظلوم حسین جان	از تیر حرمه گردیده پرپر
عباس علمدار از تیغ و خنجر	مظلوم حسین جان	قطع الیدین شد از بهر برادر
	مظلوم حسین جان	سقای طفلان ، با چشم گریان ، گفتم برادر جانم حسین جان

محرم الحرام

تویی مولا منم بنده تو ای سلطان بخشنده قبولم کن گنه کارم ولی با روی شرمنده

حسین جانم حسین جانم حسین جانم حسین جان

الا ای سرور باغ جنان گشتم تو را شیدا جوانیم به قربان علی اکبر آقا

حسین جانم حسین جانم حسین جانم حسین جان

در این دنیا نصیبم کربلای با صفایت کن به قبر و در صف محشر تو از نوکر حمایت کن

حسین جانم حسین جانم حسین جانم حسین جان

قطعه ی کربلای معلی حرم امام حسین علیه السلام

السلام ای سرزمین عشق و شور قطعه ای از خاک جنت کربلا

حق عنایت کرده ست بر تربت مست شد عالم ز عطرت کربلا

خون ثارالله جاری بر تو شد سیل اشک جاری برایت کربلا

عاشقان امید دارند ، آرزوست تا که گردند زائرانت کربلا

پای در ره ، دل تپد ، دیده پر اشک می شود آسان مشقت کربلا

عشق تو دیوانه کرده عالمی می شوم من غرق رحمت کربلا

هر شب جمعه بگرید فاطمه بر حسین از این مصیبت کربلا

کاش شایق هم شب جمعه شود گریه کن نزد ضریحت کربلا

نوحه شب های جمعه ی کربلا

امشب حرم حسین غوغاست مهمان حسین حضرت زهراست

با گریه بنالد و بگوید قربانگه تو عزیزم اینجاست

مظلوم حسین جان

مادر لب تشنه از تو دشمن بریده سرت به خنجر از تن

از داغ تو هر زمان بگیریم بالای سرت نشسته ام من

محرم الحرام

مظلوم حسین جان

در لرزه فتاده ست دنیا

خون گریه کنند آسمانها

در کربلا حضرت زهرا

آمد ز جنان به شور و غوغا

مظلوم حسین جان

زهرا و شده ز غم پریشان

بنشسته به قتلگاه گریان

بر حنجر بی سرت حسین جان

دیده ست زده بوسه زینب

مظلوم حسین جان

اشعار دعایی محرم

به علمدار اردوی حسین

ای خدایا به آبروی حسین

تو ببخشای گناه از امت

کن روا حاجت ما این ساعت

عمر با عزت عنایت فرما

بانای و ذاکر این محفل را

زینب مه تابنده و گنج عفت

یارب به غریبان دیار غربت

داریم خدایا به تو ما چشم امید

یارب به سه ساله دختر شاه شهید

پایان بده با ظهور مهدی تو به غم

حاجات بر آورده کن از لطف و کرم

سایر اشعار

رباعی و دوبیتی های سروده شده

تا دست ولی عصر روی سر ماست

نومید همیشه خصم آشوبگر ماست

این کشور و انقلاب ما مقتدر است

چون سید علی خامنه ای رهبر ماست

شاد باش و شاد زی در زندگی

تا نمانی در غم و درماندگی

گر نباشی اهل کوشش بالیقین

پیش یزدان خواری از شرمندگی

نوروز که عید باستانی من است

هنگام شکوفایی گل در چمن است

شادی به دل کوچک و پیر و برناست

این عید مبارک به همه مرد و زن است

معلم گوهری در آفرینش

معلم حقه ی اسرار بینش

دهد تعلیم از عشق و مهربانی

معلم ای چراغ راه دانش

به مناسبت شهادت سردار رشید سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی (ره)

لاله را از کین بریدند برگ و بر

زین مصیبت نیست دیگر تاب و صبر

شد شهید و پاره پاره وای من

حاج قاسم صبح جمعه در سحر

گشته مهمان نزد اربابش حسین

او که در راه وطن داده ست سر

نام این سردار بهر دشمنان

همچو کابوسی است تا صبح ظفر

چونکه پیروز است شیعه در جهان

هست نخل دین از این خونهای تر

باد این فقدان به رهبر تسلیت

در عزای این بزرگ مرد بشر

رباعی زیر به مناسبت یکمین سالگرد شهادت سرباز و مدافع وطن شهید پاسدار حسن مجیدی سروده شده است.

یکسال گذشت از غم پرپر شدنت

در راه وطن شدست خونین بدنت

شهید مجیدی بی قراری قلوب

آرام شود با به مزار آمدنت

سایر اشعار

اشعار داستانی

می گذشتند همره سه نفر

ناگهان خشتی طلا دیدند

همچو خورشید بوده آن زیبا

یاوران نیست این طلا، نعمت

گوش بر من ز مهر و لطف دهید

بود فکر طلایشان در سر

باز گردم کنون من از اینجا

صبر بر من کجا روا باشد

بهر عیسی بهانه آوردند

شاد از دیدن طلا آنها

باشد ما گرسنه ایم زینهار

رود و ما مواظبیم ز طلا

ریخت سمی کشنده در دل آن

قسمت او شود سه تکه طلا

کردند آهنگ قتل او از تیغ

بی غم و درد و غصه ها و رنج

حمله ور سویش از ره عدوان

در همان دم همان دو تن مردند

هیچ کس هم سود و خیر ندید

آن سه را ز امر خالق یکتا

حضرت عیسی ی پیغمبر

از دیاری گذر چو می کردند

بود سه پاره ی طلا آنجا

گفت عیسی کلامی از حکمت

چشم پوشید و رهگذار شوید

چون شدند رهسپار آن سه نفر

گفت ناگه یکی که یاعیسی

مطلبی بس مهم مرا باشد

بعد از او آن دو هم جدا گشتند

آمدند دور آن سه خشت طلا

بعد گفتا یکی که وقت نهار

یک نفر در پی خرید غذا

رفت مردی خرید توشه ی نان

تا کشد آن دو را ز راه جفا

آن دو هم در غیاب مرد رفیق

بعد تقسیم خود کنند آن گنج

آمد آن مرد با لب خندان

وی بکشتند و نان او خوردند

آن سه تکه طلا به کس نرسید

چونکه برگشت حضرت عیسی

سایر اشعار

کرد زنده همان زمان فرمود

آری گاهی طلا و مال جهان

بود روزی نزد پیغمبر علی

گفت با مهر و عطوفت ، مصطفی

گفت مولا یا محمد سرورم

مژده ها دادی همیشه بر علی

گفت پیغمبر که جبریل امین

بر من و بر آل من از دوستان

باز گردد درب های آسمان

همچنین هفتاد صلوات از ملک

همچو برگ کز درختی ریخته شد

هم بر او لبیک از سوی خداست

بهر هر کس گوید این ذکر عظیم

من نگفتم در این صواب نبود

می شود مرگ جان آدمیان

بهترین خلق خدا بعد از نبی

یا علی خواهی دهم مژده تو را

به فدایت جان و باب و مادرم

این زمان بر گو تو با صوت جلی

نزد من آمد و گفتم این چنین

گر صلواتی فرستد هر زمان

می شود رحمت برایش بی کران

می شود نازل بر آن شخص تک

جمله ی عصیان از او کنده شد

هفتصد صلوات هم از کبریاست

هست این پاداش از رب کریم

مقام مادر

خوش ترین لحظه ها بودن کنار مادر است

با دعای خیر او هر جا که می خواهی رسی

گفته قرآن می نما نیکی به ایشان کل عمر

بر کویر خشک و این فصل خزان قلب ها

ای خوشا آنکس که با مهر و علاقه مادرش

پرورش کودکان در سایه سار مادر است

پادشاه ست هرکسی خدمتگذار مادر است

رستگار آنکه دلش امیدوار مادر است

بشکفتد گل های عشقی کز بهار مادر است

می کند خدمت و دائم او به کار مادر است

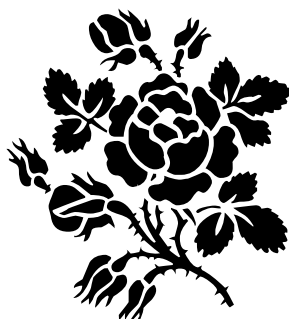
خدایا بگذر از جرم و گناهیم

که هستی توبه من تنها پناهیم

سرودم شعر در مدح ائمه

و لیکن من غلام روسیاهیم

...پایان جلد اول...



قابل توجه مداحان گرامی :

به دلیل اینکه بیشتر اشعار دارای سبک بوده و بر اساس دستگاه ها و آواز های موسیقی ایرانی سروده شده و به صورت ساده و متن شعر خالی نمی توان آن ها را خواند ، لذا برای آگاهی و دریافت سبک ها و نمونه های صوتی با شماره ۰۹۲۲۲۳۶۶۰۹۴ تماس حاصل فرمایید. / با تشکر از همه ی خوانندگان گرامی



اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِرَوَّيْكَ الْفَرَجَ

وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ

وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اَعْوَانِهِ وَانْصَارِهِ

وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ